تمرینات

۱ـ آیا با به وجود آمدن عبدالرحمن دست استعمارگران از وطن ما قطع شد ؟

۲ـ در وقت کدام پادشاه وطن ما میدان رقابت دو ابرقدرت شد ؟

۳ـ با به میان آمدن حبیب الله در سیاست مملکت کدام تغیر آمد یا خیر ؟

۴ـ در وقت جنگ سوم افغان و انگلیس مجاهدین داوطلب چه رول را بازی کردند ؟

۵ـ بین انگلیسها و امان الله در کدام جا صلح برقرار شد ؟

۶ـ در وقت امان الله روسها برای چه به افغانستان دست دراز کردند ؟

۷ـ امان الله بعد از بازگشت از روسیه و اروپا چه میخواست بکند ؟

۸ـ علما و روحانیون چرا در مقابل امان الله قیام کردند ؟

۹ـ بعد از سرنگون شدن حکومت امان الله کی به میان آمد ؟

۱۰ـ حبیب الله که پادشاه شد نام خود را چه گذاشته بود ؟

و شناخت اجتماع :

اجتماع با نزدیک شدن افراد خانوده ها بوجود می آید در اجتماع اسلامی انسانها مکلف اند که مطابق قوانین اسلامی زندگی کنند با همسایه ها و اقارب خویش نیکی نمایند به شادی آنها شاد و به غم آنها غمگین باشند. اگر بتواند با آنها کمک لازم نمایند .

در اجتماع اقارب نزدیک ما کاکا، ماما، عمه، خاله و فرزندان آنها میباشند و همسایه ها نیز در درجه دوم قرار میگیرند ، معلم ، مدیر مکتب ، سرمعلم ، مستخدم مدرسه هم صنفها و تمام شاگردان مدرسه نیز اعضای اجتماع محسوب میشوند که یکی بر دیگری حقوق اسلامی دارند . ارزش یک عالم مسلمان در اجتماع بسیار زیاد بوده زیرا عالم با کوشش های خود میتواند مردم جامعه را از بدی ها منع کرده بطرف نیکی ها رهنمائی نماید . دیگر مردم عامه از قبیل دکاندار، کتاب فروش، بزاز ، قصاب ، نانوا و غیره نیز در اجتماع نقش دارند که اگر مطابق قانون اسلامی رفتار کنند اعضای مفید جامعه اسلامی بشمار میروند .

مسلمانها

در هر جائیکه زندگی میکنند اگر در افغانستان باشند یا پاکستان، ایران، عربستان و دیگر مملکت های جهان باهم برادر اند، باید که در بین جوامع مسلمانها رابطه دوستی، برادری و همکاری وجود داشته باشد.

تمرین وسوالات

۱: انسان باید در چه نوع جامعه زندگی نماید ؟

۲: یک عالم در جامعه چه وظیفه دارد ؟

۳: اقارب نزدیک ما را در جامعه کدام مردم تشکیل میدهد؟

۴: مسلمانهای جهان باهم دیگر چه وظیفه دارند ؟

فصل دوم

جغرافیه

جغرافیه : جغرافیه علمیست که حالات زمین را بیان میکند .
مثلاً از کوه های روی زمین ، تپه ها ، دشت ها ، میدانهای هموار، حالات زراعتی ، جنگل ها ، ابحار ، دریا ها و از نفوس وغیره بحث میکند .

زمین :-

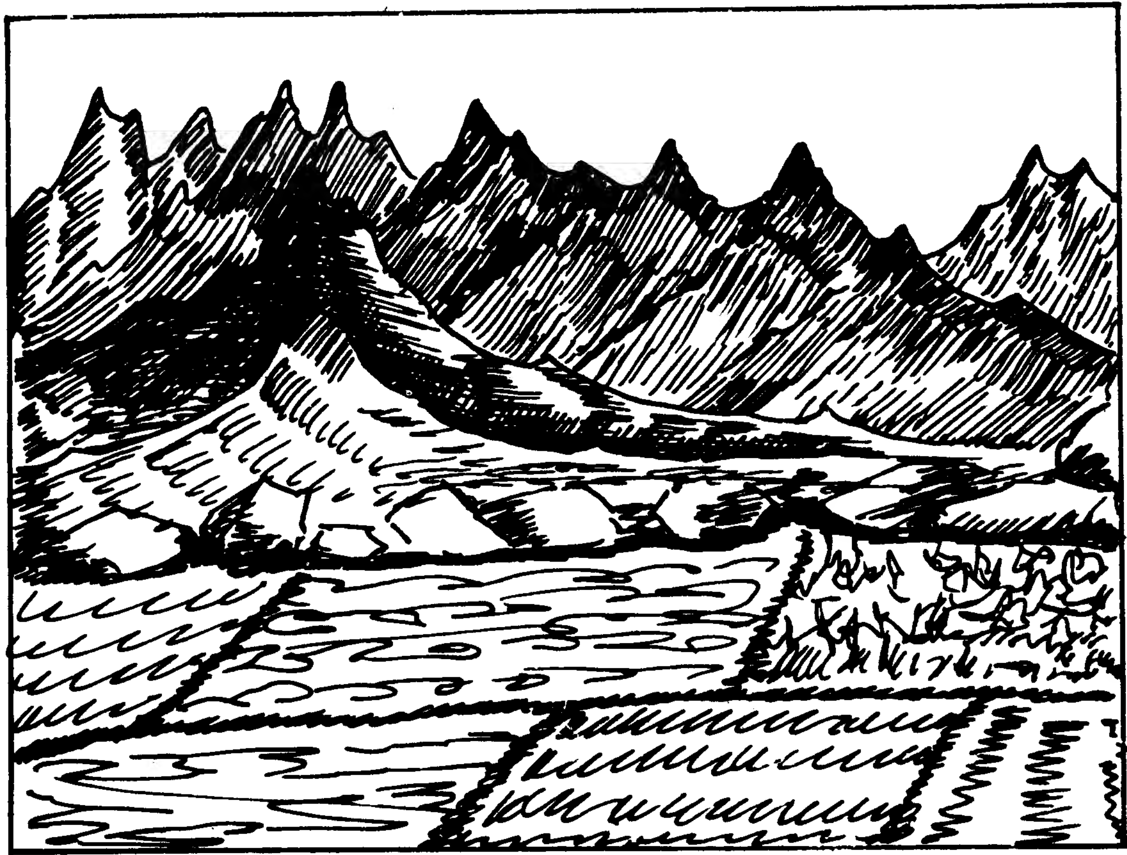
زمین دو بخش دارد :

اول : حصه زمینکه روی آنرا آب نپوشیده است مانند زمین زراعتی ، صحرا ، کوها ، شهر ها وغیره

دوم : زمینکه روی آنرا آب گرفته بنام ابحار ، دریا ها ، جهیل وغیره یاد میشود .

کوها : آن نقط از بلندی زمین راکه از سنگ ، ریگ وغیره

ساخته شده باشد بنام کوه یاد میکنند.



تپه ها:-

بلندی تپه ها نسبت به کوه ها کم میباشد و از خاک، ریگ و سنگ ساخته شده اند. در بعضی تپه ها گندم للمی وغیره کاشته میشود.



دشت :-

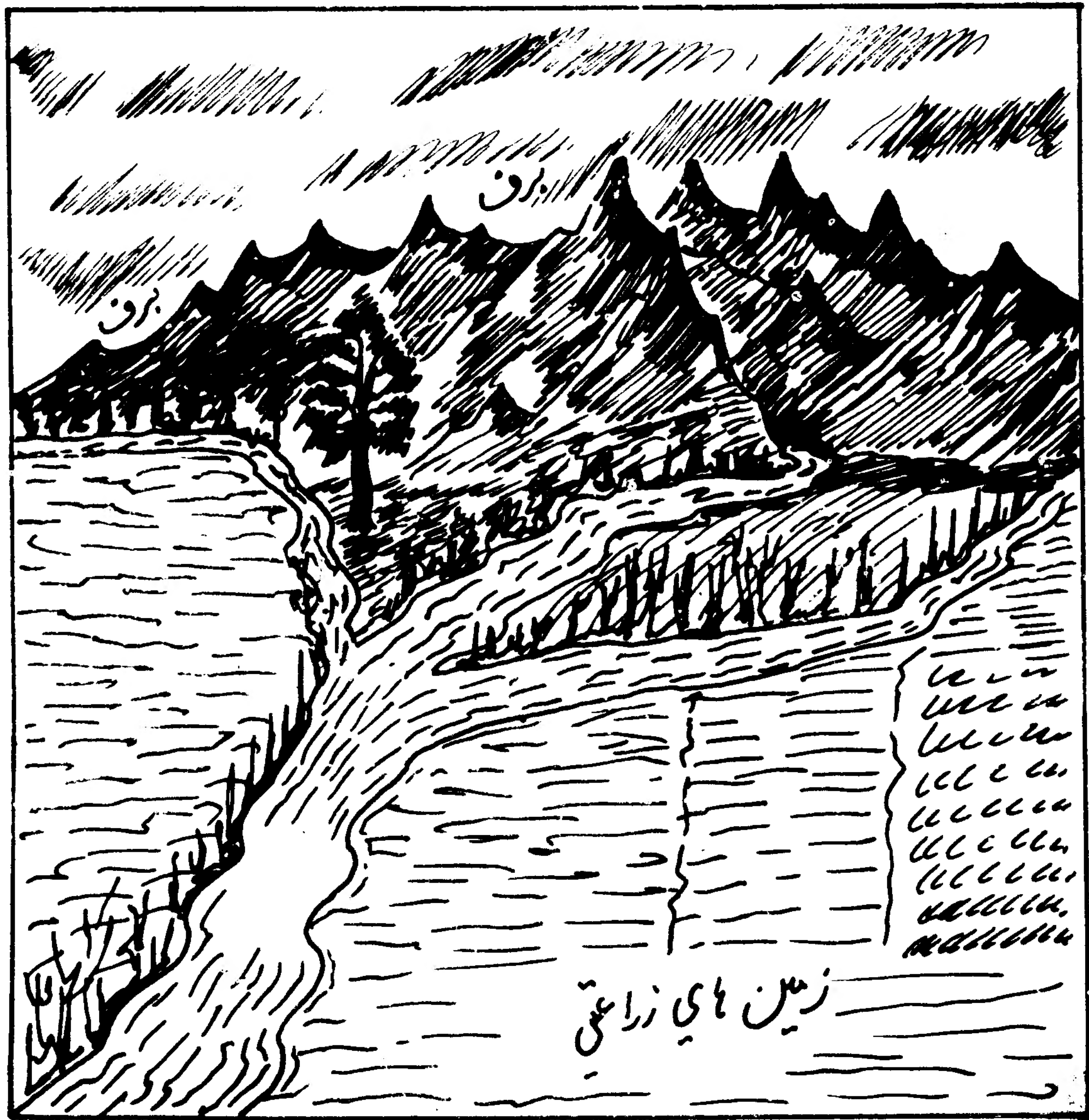
زمین هموار و کلان است که آب جاری ندارد در وقت بهار گیاه و گل های گوناگون در آن میروید . لاکن در تابستان از سبب گرمی از بین میرود . خار و درخت های گز که به آب زیاد ضرورت ندارد در دشت ها میروید . و این را نیز بدانیم که خاک دشت ها قابل زرع میباشد .

چشمه ها :-

یک اندازه آب برف و باران زیر زمین ذخیره میشود .
این آب از سوراخهای زمین به شکل چشمه ها می برآید . چشمه ها آب صاف و پاک دارند . و مردم برای کشت و آب آشامیدنی از آن استفاده میکنند آب بعضی چشمه ها برای تداوی امراض جلدی نیز مفید است .

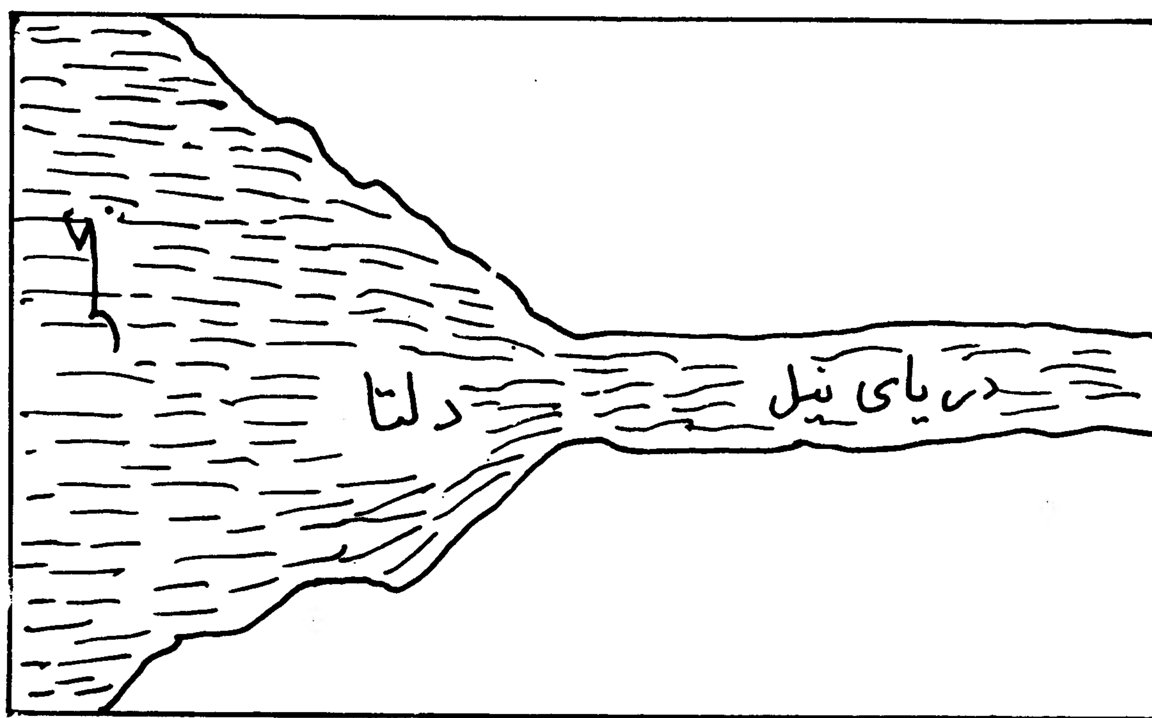
دریا ها :-

آب برف و باران که ازکو ها و تپه ها سرازیر میشو ر با یکدیگر یکجا شده دریا ها را میساز ر. از دریا ها برای زراعت آبیاری و تولید برق وغیره کارگرفته میشود.



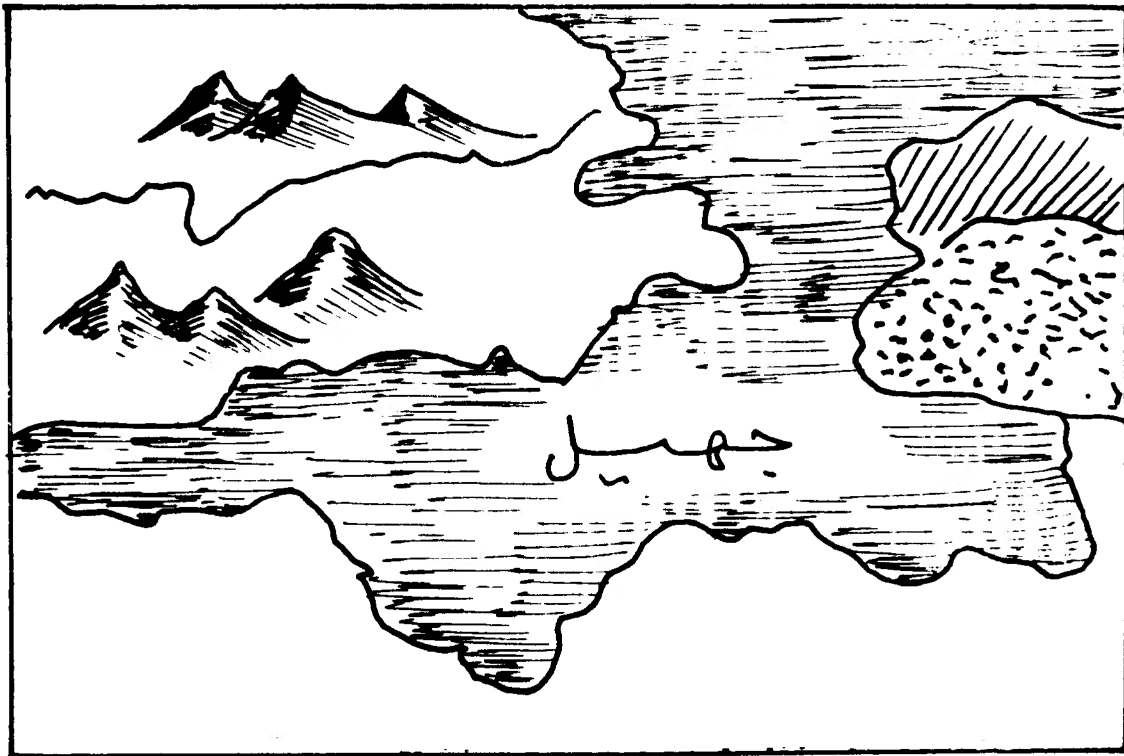
دلتا :-

بعضی دریا ها قبل از سرازیر شدن در بحر به شاخه های خورد و کوچک تقسیم میگردد و شکل مثلثی را اختیار میکند که همین شکل مثلث را دلتا میگویند مانند دلتای دریای نیل وغیره .



جهیل :-

جهیل یک چقوری کلان طبعی بر روی زمین است که پر از آب میباشد.
آب بعضی دریا ها به جهیل میرود و درآنجا جمع میشود آب بعضی جهیل ها
شیرین و بعضی ترش و نمک دار میباشد



خلیج :-

خلیج عبارت از آبی است که سه طرف آن خشکه ویکطرف آن
به بحر و یا بحیره وصل باشد.

مانند خلیج فارس، خلیج بنگال و خلیج سیام.



بسم الله الرحمن الرحیم

خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها

ترجمه: شما را از یک شخص، باز بیافرید از آن شخص زنش.

(ترجمه شاه ولی الله صاحب)

سورة الزمر آیه (٦)

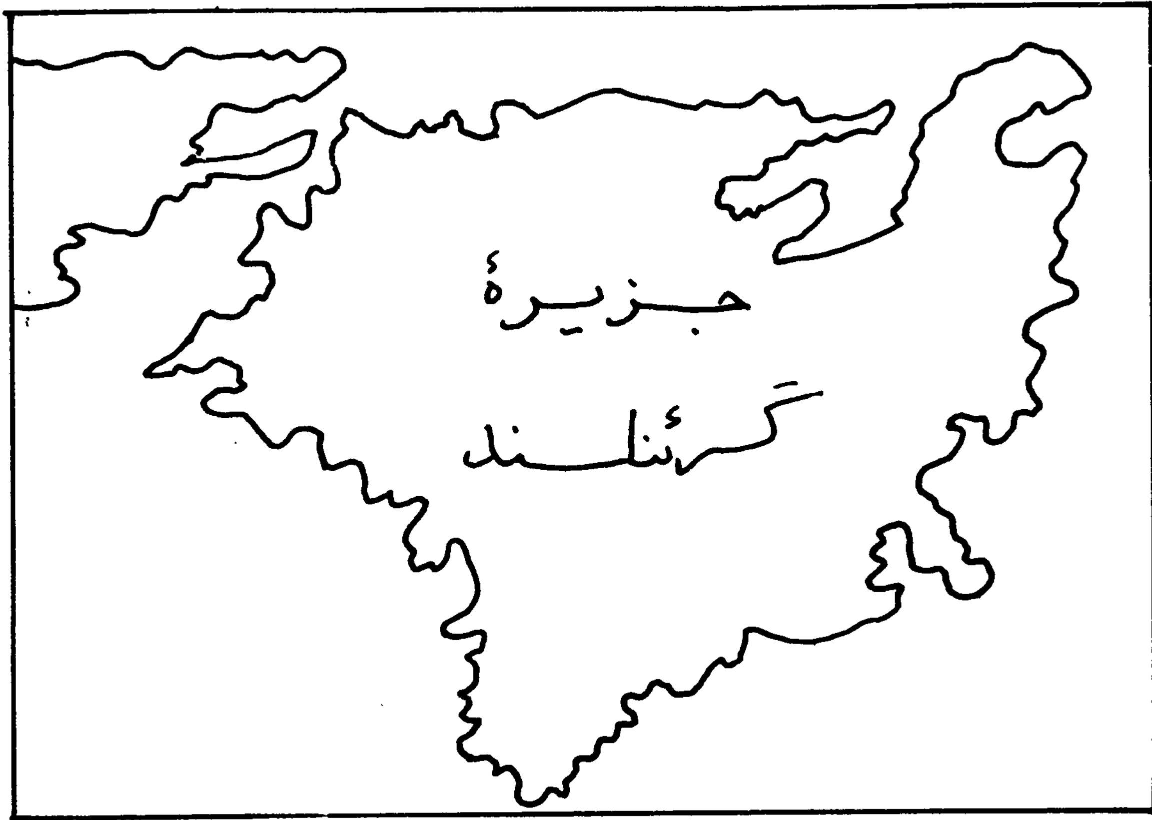
فصل اوّل

الف: شناخت خود:

تاریخ بما احوال و کردار گذشتگان را با شناخت وقت و جای آن بیان میکنند تا از کارهای خوب آنها پیروی نموده واز کارهای بد آنها پند گیریم. این را نیز بدانیم که ما انسان هستیم و خداوند (ج)، ما را برای عبادت و کار پیدا کرده است. موجودات دیگر که در روی زمین دیده میشوند برای مفاد انسانها پیدا و خلق شده اند تمام انسانها که در روی زمین زندگی میکنند از یک پدر و مادر (آدم (ع)، و بی بی حوا) اند. به اینصورت آدم (ع)، اولین انسان روی زمین بوده که از جانب خداوند (ج)، در زمین خلیفه شدند

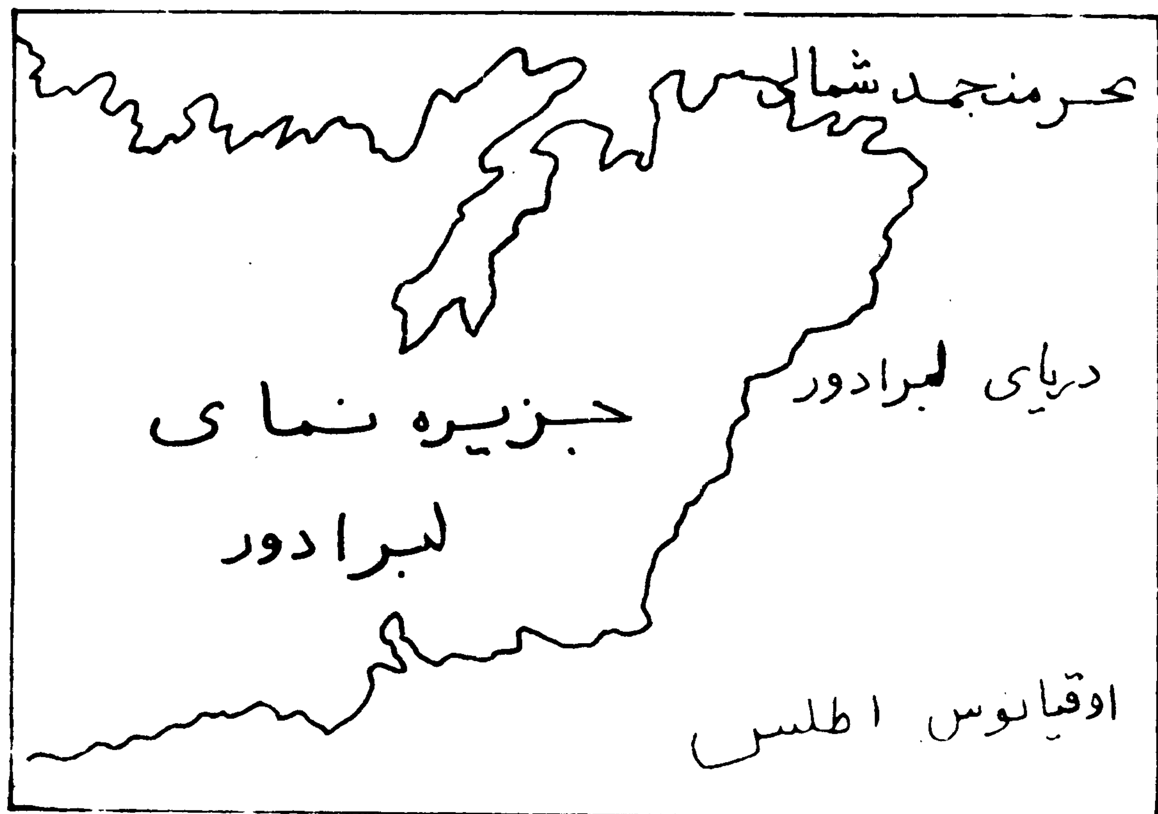
جزیرہ :-

قطعہ زمینی را گویند کہ چہار طرف آن آب باشد مانند جزیرہ سری لنکا جزیرہ جاپان وجزیرہ گرینلند وغیرہ۔



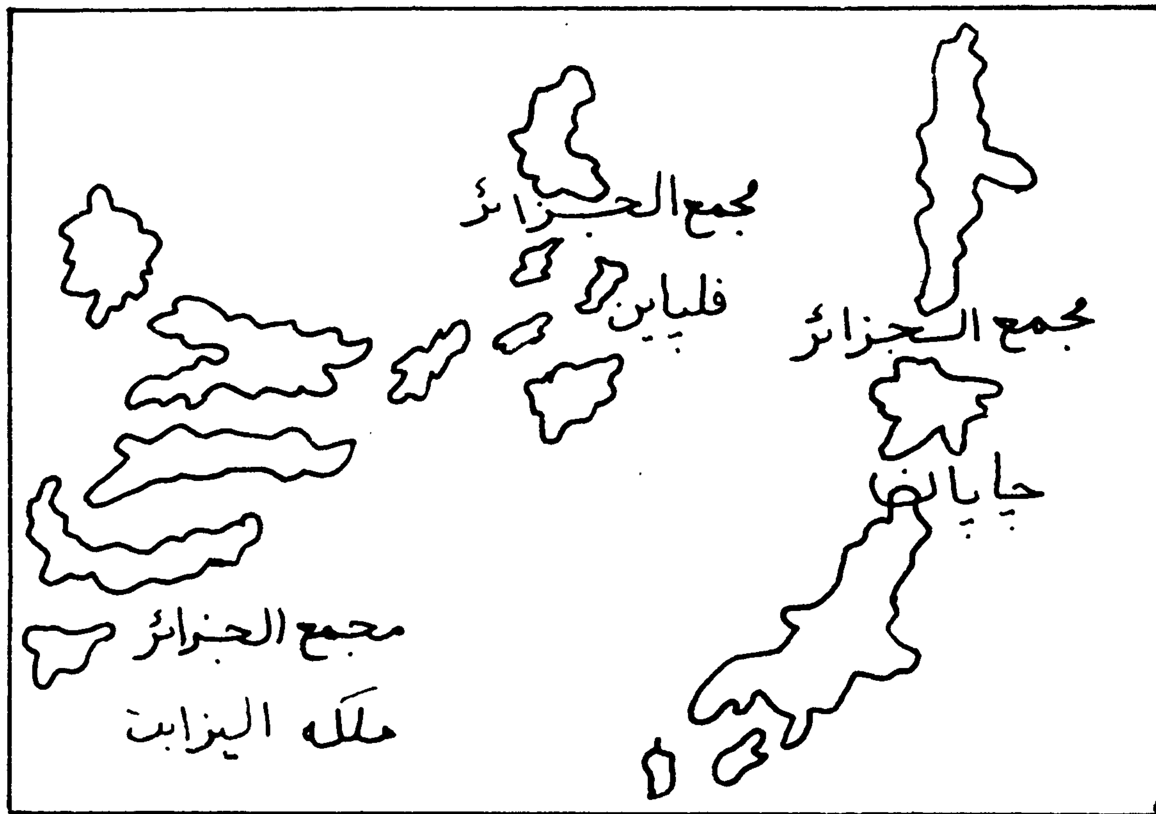
جزیره نما :-

قطعه زمینی که سه طرف آن آب باشد و یکطرف آن به خشکه وصل گردیده باشد بنام جزیره نما یاد میگردد مانند جزیره نمای عربستان در آسیا و یا جزیره نمای لبرادور در امریکای شمالی وغیره .



مجمع الجزایر :-

مجموعه چند جزیره که تماماً یکجا واقع باشد بنام مجمع الجزایر یاد میگردد مانند مجمع الجزایر جاپان ، فلپاین وغیره .



آبشار :-

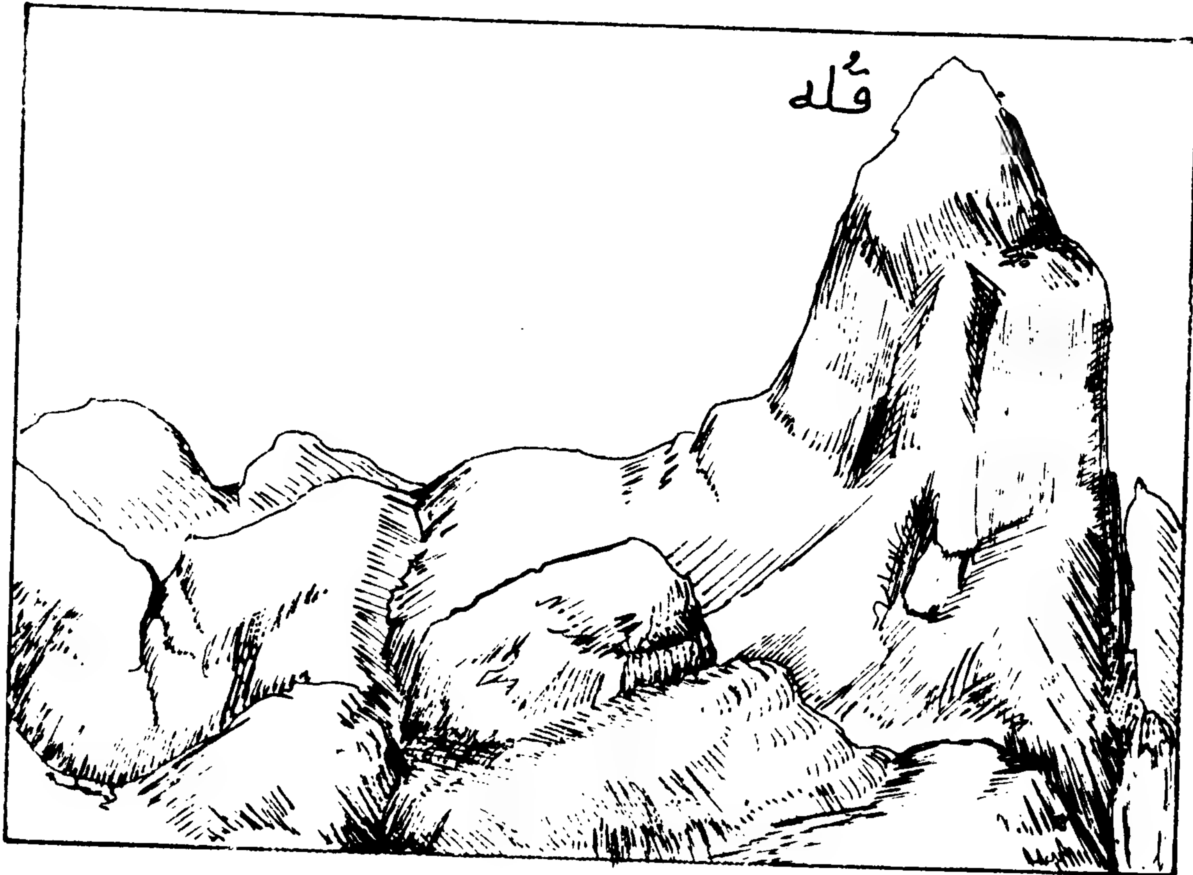
آب دریاها و انهاریکه از جاهای مرتفع و بلند به پائین میریزد بنام آبشار یاد میشود.

مانند آبشار نیاگارا که از آبشارهای مشهور دنیا بشمار میرود.



قُلّه :-

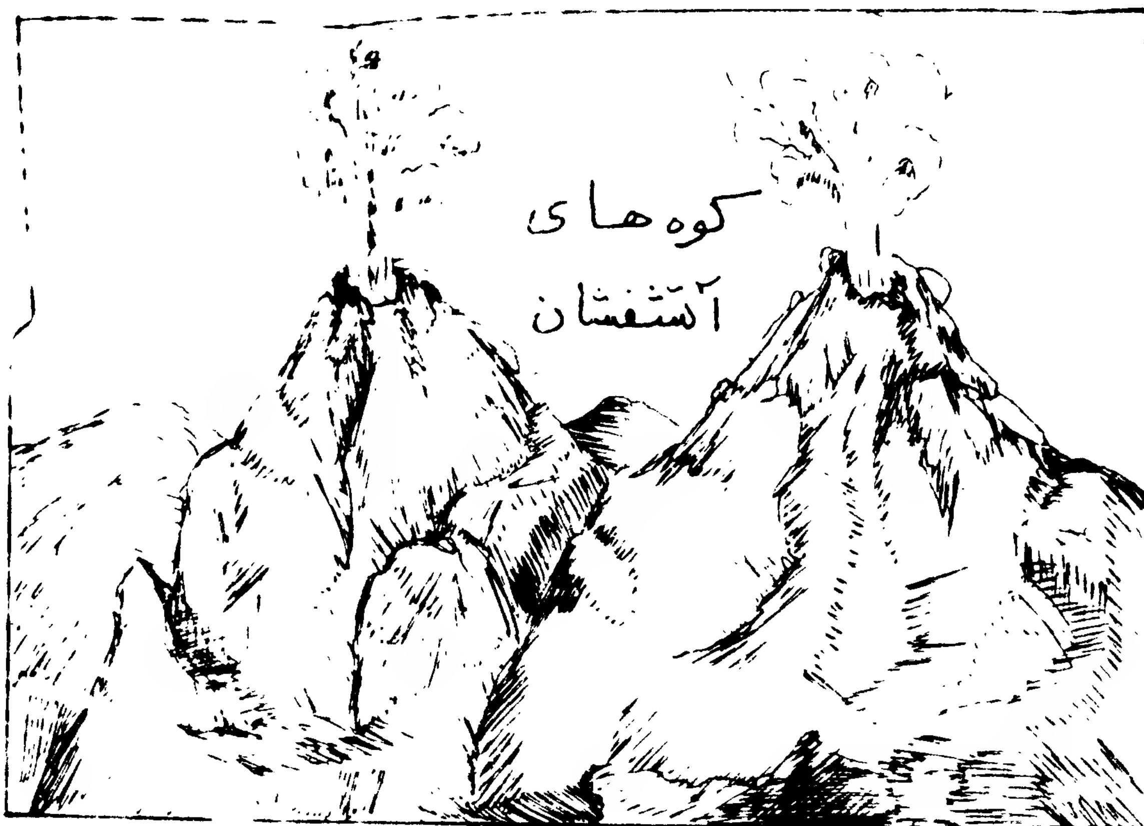
بلندترین نقطهٔ کوه را قله میگویند مانند قله تراجمیر کوه هندوکش در افغانستان .



کوه های آتشفشان :-

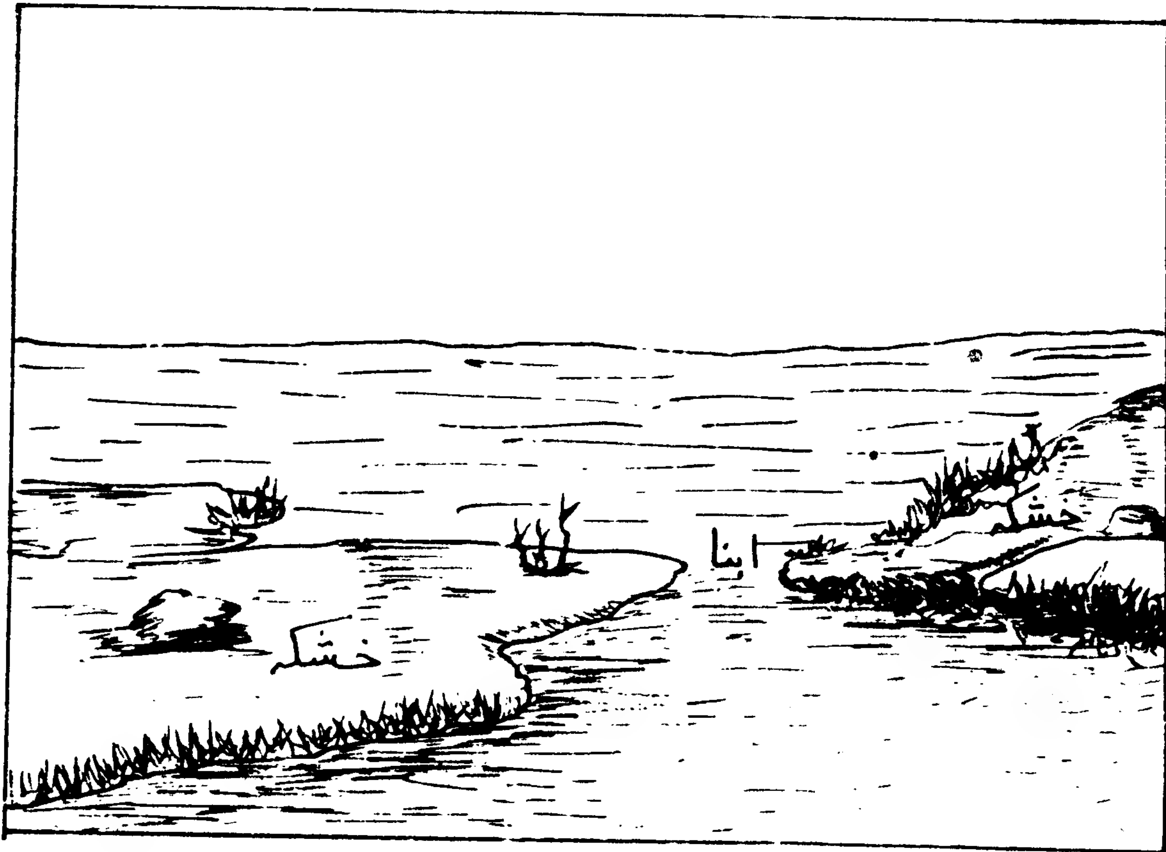
بعضی اوقات از قله های کوه ها آتش ، دود و خاکستر خارج میگردد که به اثر آن خانه ها و جنگل ها در گرفته و می سوزد . این قسم کوه ها را کوه های آتشفشان میگویند .

این نوع کوه ها در جاپان زیاد میباشد



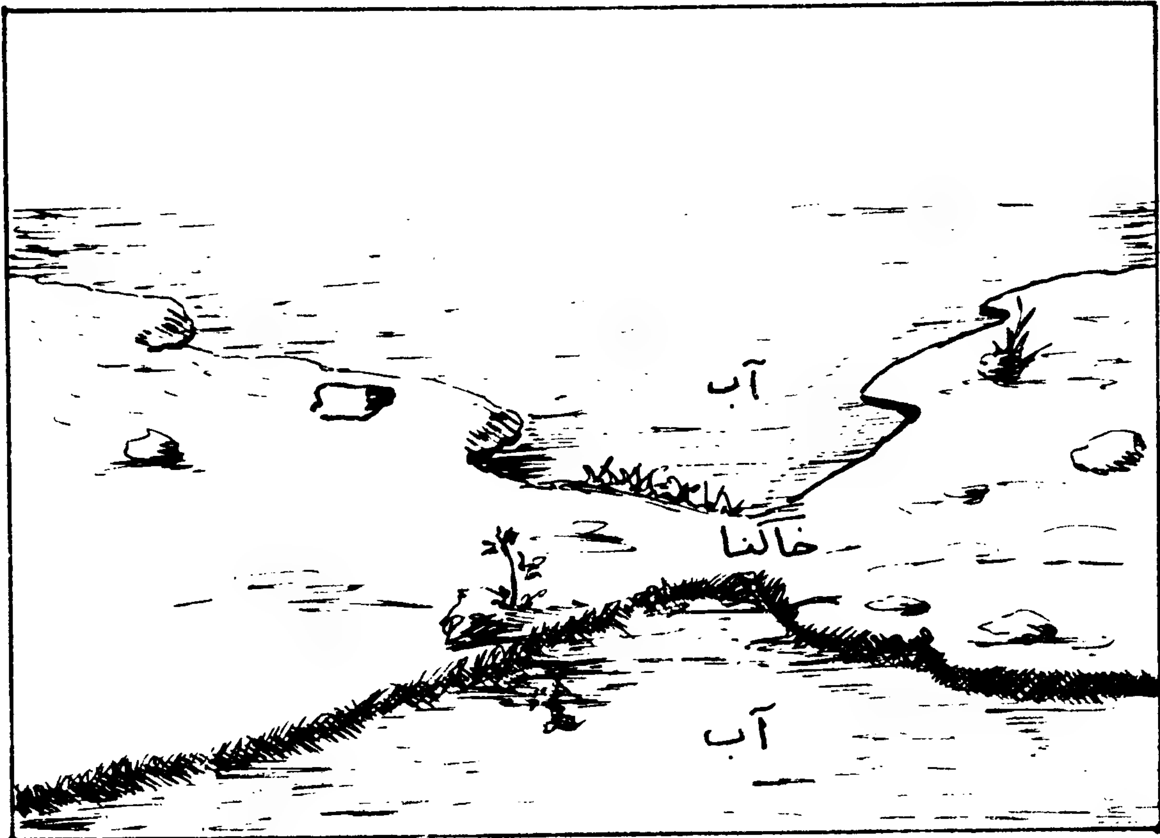
ابنا:-

آب باریک است که دو خشکه را ازیکدیگر جدا می کند و دو آب را باهم وصل میسازد. مانند آبنای جبل الطارق.



خاکنا :-

آن قطعهٔ باریک زمینی است که دو آب را از همدیگر جدا و دو خشکه را باهم وصل مینماید .



سطح مرتفع :-

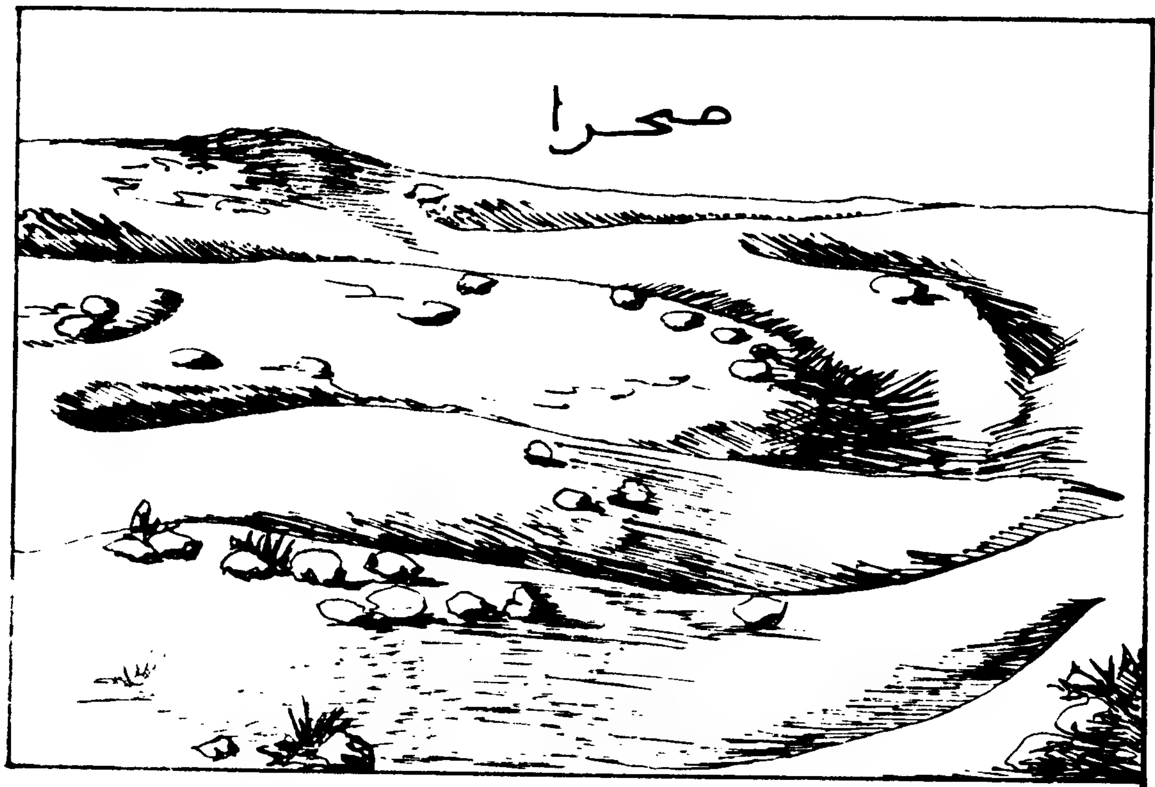
زمینی را میگویند که نسبت به زمین چهار اطراف خود بلندتر واقع گردیده باشد مانند سطح مرتفع پامیر که بنام بام دنیا یاد میشود .

این سطح مرتفع درشمال شرق افغانستان واقع گردیده است .



صحرا :-

زمین وسیع و بزرگی راگویند که پر از ریگ و سنگ چل باشد هوایش گرم بوده و باران در آن اکثراً نمیبارد . بود و باش در صحرا مشکل میباشد. صحرا های عربستان وگوبی چین از صحرا های مشهور دنیا بشمار میرود . زمین صحرا اکثراً قابل زرع نمی باشد .



وهمچنان اولین پیغمبر بودند که احکام خداوند(ج) را برای اولاد خود نشان می دادند.

تمرین

۱: اولین انسان روی زمین کی بود ؟

۲: خداوند(ج) ما را برای چه پیدا کرده است ؟

۳: تاریخ بما احوال کدام مردم را بیان میکند ؟

براعظم :-

زمینکه روی آنرا آب نپوشیده بر پنج حصه بزرگ تقسیم شده که هر حصه آن بنام براعظم یاد میشود .

نام براعظم ها :-

براعظم آسیا ، افریقا ، اروپا ، امریکا و آسترلیا میباشد .
یک حصهٔ دیگر زمین که همیشه یخ گرفته بنام انترکتیکا یاد میشود .

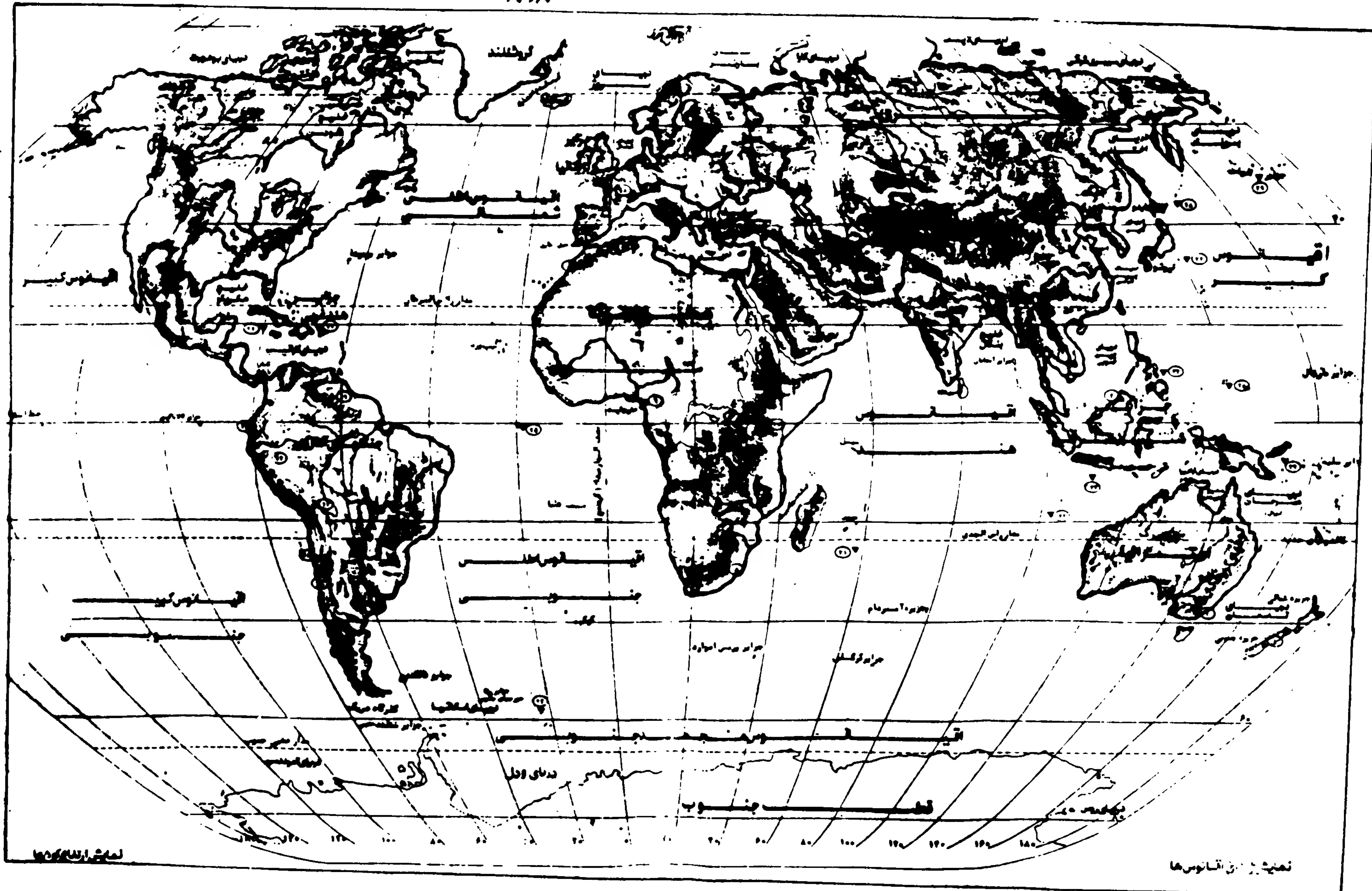
بحر اعظم

آبی که قسمت وسیع سطح زمین را پوشانیده بنام ابحار یاد میشود .

نام های بحر های کلان :-

عبارت انداز بحر هند، بحر منجمد شمالی، بحر اطلس شمالی، بحر اطلس جنوبی و بحر الکاهل (بحر آرام).

که درین ابحار برای حمل و نقل اموال تجارتی و مسافرین از کشتی های خورد و بزرگ استفاده میشود. وهمچنان در بحر معادن تیل و حیوانات آبی مانند ماهی نیز بسیار زیاد پیدا میشود.


گروئنلند
اقیانوس اطلس شمالی
اقیانوس کبیر
اقیانوس هند
اقیانوس اطلس جنوبی
اقیانوس کبیر جنوبی
اقیانوس منجمد جنوبی
دریای ودل
قطب جنوب

بحیره:-

بحیره از بحر خورد و کوچک میباشد و برای عبور و مرور از بحیره نیز از کشتی ها استفاده بعمل می آید، بحیره های مشهور دنیا ازین قرار است. بحیرهٔ عرب و بحیره احمر.



تمرین

۱- جغرافیه از چه بحث میکند ؟

۲: زمین به چند حصه تقسیم شده است ؟

۳: کوه ها از چه ساخته شده است ؟

۴: چشمه چطور بمیان می آید ؟

۵: دریا ها چه فایده دارد ؟

٦: جهیل چیست ؟

۷: دشت چیست ؟

۸: در دشت کدام نوع گیاه ها سبز میشود ؟

۹: بحر را تعریف کنید ؟

۱۰: جزیره چه را میگویند ؟

۱۱: دلتا چطور بمیان می آید ؟

۱۲: صحرا از چه چیز ساخته شده است ؟

۱۳: کوه های آتشفشان کدام اند ؟

۱۴: ابنا چه را گویند ؟

براعظم آسیا :

آسیا یکی از براعظم های بزرگ قدیمی و مشهور دنیا است این براعظم از لحاظ زیادت نفوس و مساحت نیز شهرت دارد .

خداوند (ج) در این براعظم برای رهنمائی بندگان خود اکثر پیغمبران (ع) را به پیغمبری مبعوث نموده چنانچه پیغمبر و رهبر بزرگ مسلمانان حضرت محمد (ص) نیز در شهر مکه معظمهٔ عربستان سعودی که مربوط این قاره مشهور میباشد تولد یافته و بزرگ شده است . درین براعظم کوه های مشهور و دریا های مشهور و ذخایر معدنی زیاد از قبیل آهن ، طلا ، نفت وجود دارد که نفت ممالک عربی شهرت جهانی دارد .

ساختمان طبعی آسیا :

براعظم آسیا کوه های بلند دارد که مهم آن کوه های همالیا اند نقطهٔ

بلند آن بنام ایورست یاد میشود که (۸۸۴۸) متر بلندی دارد
سلسله کوه های همالیه در افغانستان بنام هندوکش یاد میشود.

دریا ها :-

دریا های مشهور آسیا در شمال بنام اوبی ، ینسی ، لینا در شرق هوانگهو ، سی کیانگ ، یانگ تسه کیانگ و در جنوب سند . و رود گنگ میباشد .

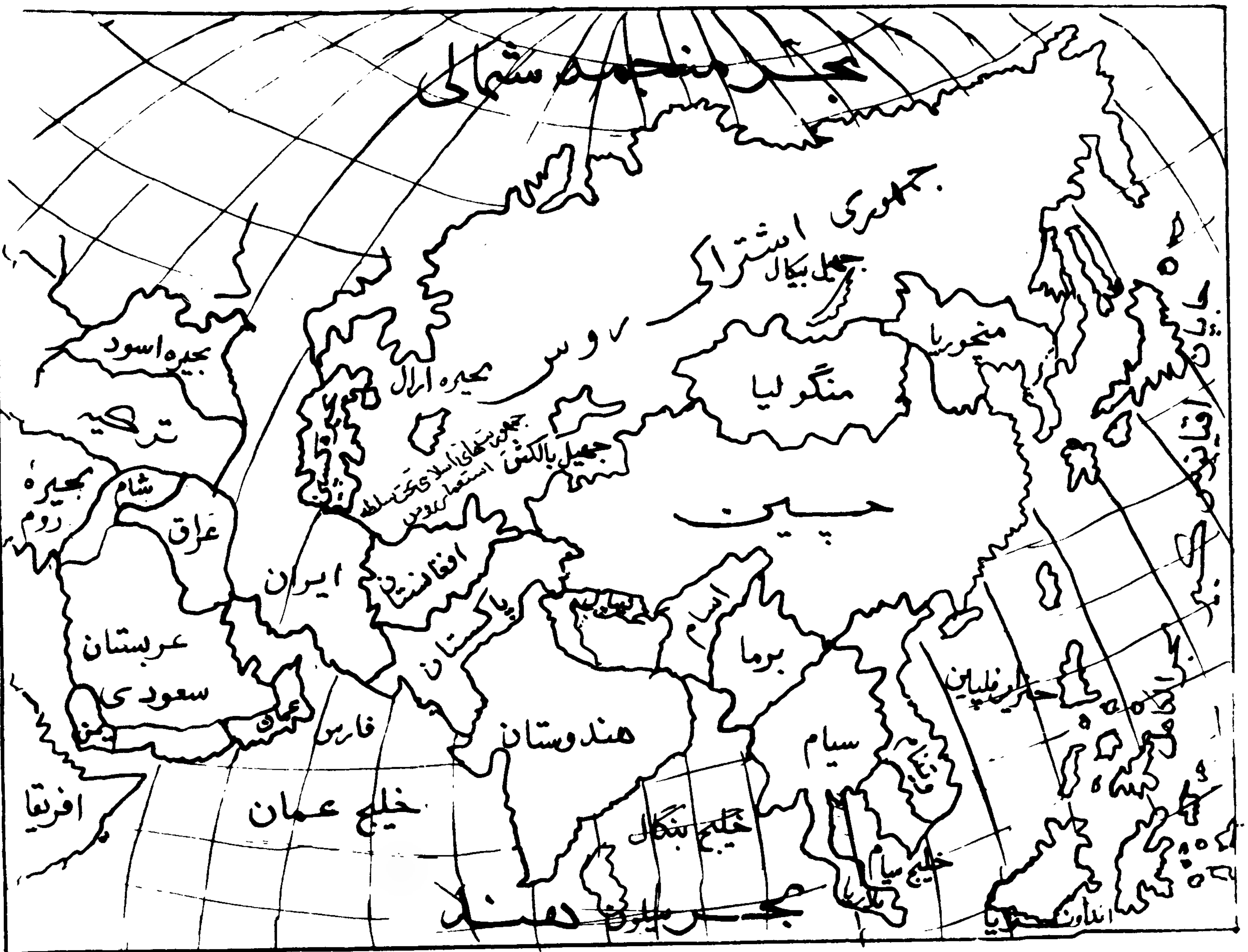
چهار سمت براعظم آسیا :-

بطرف شمال این براعظم بحر منجمد شمالی ، بطرف جنوب آن بحر هند، بطرف شرق آن بحرالکاهل و از طرف غرب به براعظم اروپا وصل است.
درین براعظم ممالک زیادی وجود دارد که مملکت عزیز ما افغانستان نیز در آن جمله میباشد .

ممالک بسیار مشهور این براعظم عبارت انداز ترکیه، ایران،
عربستان سعودی، پاکستان، هندوستان، چین، جاپان،
اندونیزیا، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و مملکت عزیز
وشهید پرور اسلامی ما افغانستان نیز شهرت زیاد را به خود
حاصل نموده است.

باشندگان براعظم آسیا به زبانهای مختلف گفتگو
میکنند که مشهورترین زبانهای آن عربی، هندی، اردو، پشتو
و فارسی میباشد.

مردم براعظم آسیا اکثراً پیرو دین مقدس اسلام میباشند.



بحر منجمد شمالی
جمهوری اشتراکی روس
جهیل بیکال
بحیره ارال
جهیل بالکش
منگولیا
منچوریا
چین
بحیره اسود
ترکیه
بحیره روم
شام
عراق
ایران
افغانستان
پاکستان
اسام
برما
سیام
هندوستان
عربستان
سعودی
عمان
فارس
خلیج عمان
خلیج بنگال
خلیج سیام
افریقا
اندونیزیا
بحر هند

تمرین وسوالات :-

۱: بزرگترین کوه آسیا چه نام دارد ؟

۲: حضرت محمد (ص) درکدام براعظم تولد یافته است ؟

۳: چهار طرف آسیا را بگوئید ؟

۴: ممالك مشهور آسیا کدام اند ؟

۵: باشندگان براعظم آسیا به کدام زبانها گفتگو میکنند ؟

۶: دریا های مشهور آسیا کدام اند ؟

۷: سلسله کوه های همالیا درافغانستان بنام چه یاد میشود ؟

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

آفرید آسمان و زمین را به تدبیر درست، می پیچاند شب را بر روز، و می پیچاند روز را بر شب

و رام ساخت آفتاب و مهتاب را، هریکی میرود در زمان معین

آگاه باش، اواست غالب آمرزنده

سورة الزمر آیه (۵)

ب: شناختن مخلوقات خداوند (ج)

تمام کائنات مخلوق خداوند (ج) میباشدکه از آنجمله زمین آسمان، آفتاب، مهتاب، ستاره گان، شب، روز و غیره برای مفاد انسانها پیدا گردیده است. این نظام را قدرت خداوندی اداره کرده و نگهداری میکند که با نظم خاص وظیفهٔ خویش را انجام میدهند و در کار آنها ضعف و نقصان دیده نمی شود. برای ما لازم است که راجع به آن تفکر نموده و توسط علم جغرافیه به مطالعه آن بپردازیم. و ما با کمک علم جغرافیه می توانیم که درباره آفتاب، مهتاب، ستاره ها، زمین، بحرها و کوه ها معلومات کافی کسب نمائیم

فصل سوم

عربستان

الف: موقعیت عربستان :-

شبه جزیرهٔ عربستان در قارهٔ خشک آسیا بطرف جنوب موقعیت دارد. آب جاری و دریاها در آن زیاد دیده نمیشود. به این ترتیب برای زراعت وکشت در آن جای مناسب کم است. درخت خرما در آن زیاد است که به آب بسیار ضرورت ندارد.

شغل مهم باشندگان عربستان :-

قبل از اسلام مردم شبه جزیرهٔ عربستان کوچی و مالدار بودند. وکسب مهم مردم تجارت بود شهرهای مهم آن مکه معظمه، یثرب، (مدینه منوره) شام، بصره و یمن بود. که از همین جاها در بین شهرها و جاهای دیگر مال

متجارت صادر و وارد می شد.

در شبه جزیره عربستان شهر مکه معظمه بسیار شهرت داشت. زیرا از یک طرف بازار تجارتی بوده و از جانب دیگر اهمیت مذهبی داشت. همه ساله یکتعداد زیاد مردمان از هر جا برای زیارت درین شهر می آمدند.

ب : وضعیت عربستان قبل از اسلام :-

در شبه جزیره عربستان قبل از اسلام هر نوع ظلم و بی عدالتی موجود بود. هر قوم و قبیله برای عبادت خود بت های علیحده داشت. سود خوردن قمار زدن، زنده به گور کردن دختران، چپاول و جنگ های خانگی و دیگر کار های ناروا رواج داشت. به مجرد آمدن دین مقدس اسلام تمام این بی عدالتی ها و بدبختی ها به کلی از بین رفت، و مردم صاحب زندگی آرام و خوشبخت شدند.

شبه جزیره عربستان توسط استعمار به چندین مملکت تقسیم شده است.

مانند عربستان سعودی، عراق، سوریه، کویت، اردن، بحرین
، لبنان، قطر، امارات متحدهٔ عربی، عمان، یمن شمالی و جنوبی.

عربستان سعودی :-

مملکت مشهور و کلان شبه جزیره عربستان، عربستان سعودی است.
که اکثر جاهای مقدس اسلامی در آن واقع است که از آنجمله یکی هم بیت الله
شریف در شهر مکهٔ معظمه میباشد که قبله تمام مسلمانان است. شهر
دیگر آن مدینهٔ منوره است که روضه مطهرهٔ حضرت محمد(ص) باعث بلندی
مقام آن شده است. دو شهر متذکرهٔ عربستان برای تمام مسلمانهای
جهان ارزش معنوی دارد. که هر سال ملیونها حاجیان برای ادای فریضهٔ
حج از آن زیارت دیدن میکنند.



نقشه شبه جزیرهٔ عربستان
سوریه
لبنان
اردن
عراق
جمهوری اسلامی ایران
کویت
ریاض
مدینه منوره
عربستان سعودی
خلیج فارس
امارات متحده عرب
عمان
مکه معظمه
یمن شمالی
یمن جنوبی

ج : تولد حضرت محمد (ص) (میلاد) مسعود:-

در مکهٔ معظمه یک قبیله بنام قریش زندگی میکرد. که به دو خاندان (فامیل) تقسیم شده بود که یکی آن بنی هاشم و دیگر آن بنی امیه یاد میشد. خاندان بنی هاشم سرپرستی خانه کعبه را به عهده داشت. کلان این خاندان عبدالمطلب نام داشت، که تمام باشندگان مکه او را احترام میکردند.

عبدالمطلب ده بچه داشت که از آنجمله حضرت عباس (رض)، حضرت حمزه (رض)، حضرت عبدالله، ابولهب و ابوطالب مشهور بود. عبدالله با بی بی آمنه ازدواج و عروسی کرد. و بعد از آن با یک کاروان تجارتی قریش به شام رفت در وقت بازگشت نزدیک مدینهٔ منوره مریض شد وفات کرد و در همانجا به خاک سپرده شد. سه ماه بعد از وفات عبدالله روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول مطابق سال (۵۷۱) عیسوی در وقت صبح در شهر مکه در خانهٔ بی بی آمنه طفلی بدنیا تشریف

آورد. که با تولد این طفل معصوم قصر ظلم و استبداد ویران شد.

آتشکدهٔ هزار ساله زردشت خاموش شد. و دریای ساوه خشک گردید.

عبدالمطلب که از تولد نواسه اش خبر شد. خانه بی بی آمنه رفت، نواسه خود را در آغوش خود گرفت و اورا درخانه کعبه برد و طواف داد. و بعداً نامش را محمد (ص)، نهاد. طبق رسم و رواج مردم قریش چند روز بعد حضرت محمد (ص)، را به دایهٔ که بی بی حلیمه نام داشت سپرد. که دور از شهر در هوای آزاد تربیه شود. و چهار سال با بی بی حلیمه بودند.

و بعد از چهار سال دوباره پیش مادر خود بی بی آمنه آورده شدند. وقتیکه حضرت محمد (ص)، به سن شش سالگی رسیدند. مادرش وفات کردند. و عبدالمطلب به تربیهٔ شان مصروف شد. و در عمر هشت سالگی جد شان عبدالمطلب نیز وفات یافتند.

د : تربیه حضرت محمد (ص) به واسطهٔ ابوطالب :-

مطابق وصیت نامه جد حضرت محمد (ص) تربیه شانرا ابوطالب به عهده گرفتند. این شخص کاکای حضرت محمد (ص) بُودند. از تربیه بچه هایش بیشتر مصروف تربیه حضرت محمد (ص) بودند وکوشش میکردند. وقتیکه حضرت محمد (ص) دوازده ساله شدند. همراه کاکا خود طرف شام سفر کردند. در راه یک راهب عیسوی که بحیرا نام داشت حضرت محمد (ص) را دیدند چون از روی انجیل علایم پیغمبر آخرزمان را میدانست، ابوطالب را خواست وبرایش گفت که از سفر شام بگذرد، و دوباره به وطن خود برگردد. که برادرزاده اش را ضرر نرسد. همان بود که مال تجارت خود رابفروش رسانیدند، وابوطالب با برادرزاده اش دوباره به مکه عودت کردند. حضرت محمد (ص) از وقت طفلی صاحب عادات واخلاق نیک بُود. ودربین مردم در صداقت، امانت داری راستی شهرت داشت وبه این قسم مردم اورا امین خطاب میکردند.

ه: ازدواج حضرت محمد (ص) با بی بی خدیجه :-

در شهر مکه یک زن سرمایه دار و فهمیده شریف که بی بی خدیجه نام داشت زندگی میکرد. وقتیکه صداقت و امانت داری حضرت محمد (ص)، به بی بی خدیجه معلوم شد. از آن حضرت (ص)، خواستند که با کاروان تجارت او عازم شام شوند. رسول اکرم (ص)، با مشوره کاکای خود این دعوت بی بی خدیجه را پذیرفت و با یکی از غلامان بی بی خدیجه که میسره نام داشت طرف شام رفتند. در راه به یک راهب عیسوی که نستورا نام داشت رو بر شدند چون از روی انجیل علایم پیغمبر آخر زمان به نستورا معلوم بود او را از شر و ضرر یهودیان در شام خبر کرد. به این اساس مال تجارت اش به قیمت خوب به فروش رسید. و دوباره به مکه معظمه بازگشت کردند.

بعد از رسیدن به مکه معظمه میسرهٔ غلام از امانت داری حضرت محمد (ص)، و اخلاق پسندیدهٔ برای بی بی خدیجه حکایت کرد به این قسم بی بی خدیجه

خواهش ازدواج را با حضرت محمد (ص) کرد آنحضرت (ص) این خواهش شانرا قبول کردند. ومراسم عروسی در خانهٔ بی بی خدیجه به انجام رسید. درین وقت حضرت محمد (ص) (۲۵) ساله و بی بی خدیجه (۴۰) ساله بودند.

و: گذاشتن حجرالاسود :-

قبل از بعثت واقعهٔ که پیش شده است آن عبارت از واقعهٔ حجرالاسود است. زمانیکه مردم مکه خانه کعبه رامیساختند. دراثر گذاشتن سنگ مذکور نزاع سخت پیدا شد. هرقبیله میخواستند که افتخار گذاشتن سنگ حجرالاسود را حاصل کنند. نزدیک بود آتش نفاق در بگیرد. درین وقت بعضی از موسفیدان فیصله کردند که هرکس صبح وقت از همه داخل حرم شریف شود میانجیگری او قبول میشود.

طوریکه دیده شد اولین شخص که در آنجا آمده بود حضرت محمد (ص) بود چون مردم تماماً

او را امین لقب میکردند به این کار همه خوش شدند حضرت محمد (ص) سنگ حجرالاسود را در یک چادر گذاشته و بر گوشه چادر را به دست یکی از روسای قبیله دادند. بعد از آن حضرت محمد (ص)، سنگ را گرفته در جایش گذاشت و بدین ترتیب آتش نفاق را خاموش کرد و این نزاع بزرگ توسط حضرت محمد (ص) به پایان رسید.

ز: بعثت حضرت محمد (ص) :-

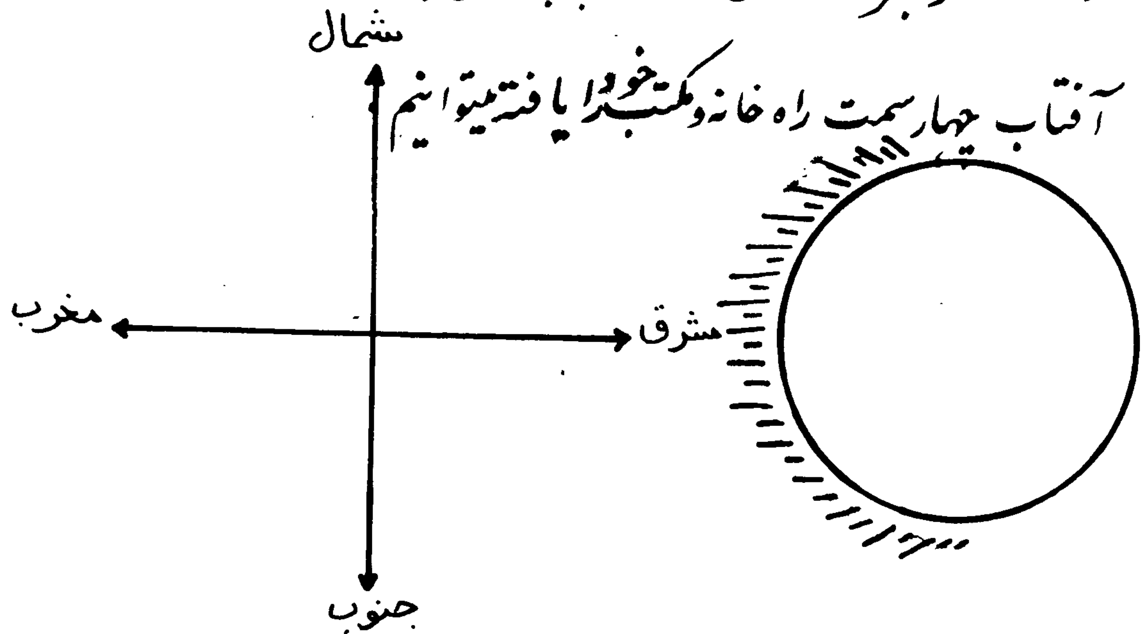
حضرت محمد (ص) در عمر (۴۰) سالگی به پیغمبری مبعوث شد و دین اسلام ظهور کرد. درین وقت در تمام عربستان مردم بت ها را می پرستیدند. آنحضرت (ص)، مردم را به پیروی و عبادت خدای واحد (ج) دعوت کردند. کافران مکه سر دشمنی را با آنحضرت (ص) گرفتند و باعث تکالیف بسیار شان شدند.

حضرت محمد (ص) سیزده سال در مکهٔ معظمه مردم را بدین اسلام دعوت

ج: شناخت چهار سمت

علاوه بر اینکه آفتاب زمین را روشن میکند و در زمستان از گرمای آن استفاده میکنیم و در تابستان میوه جات و دیگر حبوبات را پخته میکند. میتوانیم تا با کمک همین آفتاب چهار سمت را دریابیم، خانه، کوچه و راه خود را در هنگام سفر به مقصد جهاد پیدا کنیم.

اگر کسی در خانهٔ خود برای نماز خواندن طوری ایستاده شود که رویش بطرف غرب (آفتاب نشست) و پشت اش به طرف شرق (آفتاب برآمد) باشد، پس دست راست او بطرف شمال و دست چپ اش بطرف جنوب میباشد. لذا ما با کمک آفتاب چهار سمت راه خانه و مکتب خود را یافته میتوانیم



کردند . بعداً در اثر دشمنی که کافران با اوشان شروع کردند . به امر خداوند به مدینه هجرت کردند. ساکنین مدینه از آنحضرت (ص) استقبال خوبی کردند . و با اوشان کمک های زیادی کردند . به این قسم مردم مدینه بنام انصار یاد شدند . حضرت محمد (ص) ده سال را در دعوت به دین اسلام و پیشرفت اسلام گذشتاندند و دین اسلام را در تمام عربستان منتشر ساختند. برای از بین بردن کفر و الحاد غزا ها کردند . مردم را به اخلاق نیکو ، توحید ، صداقت وفا ، برادری ، صلح و زندگی مشترک اسلامی دعوت کردند . و (۲۳) سال را به امر خداوند ج در انتشار دین پاک اسلام گذشتاندند . زمانیکه دوران پیغمبری خود را به صداقت به سر رسانیدند در عمر (٦٣) سالگی ازاین دنیای فانی رحلت کردند .

ح: دین مقدس اسلام :-

دین پاک اسلام از طرف خداوند (ج) توسط حضرت جبرائیل (ع) به حضرت محمد (ص) نازل شد. بعد از قبول کردن زحمت زیاد این دین مقدس بر تمام اطراف واکناف جهان انتشار یافت.

اسلام یک دین پاک است که منشأ آن قرآن کریم وسنت حضرت محمد (ص) است. دین پاک اسلام دعوت کننده مردم به جانب حق و منع کنندهٔ باطل و مبرا از هر نوع نقص میباشد. این دین پاک یگانه راه نجات و رهنمای بشر تا روز قیامت خواهد بود. هرکس که از دین اسلام پیروی کند. برایش مسلمان گفته میشود. و به این دین خداوند (ج) اسلام نام نهاده است. و برای بندگان خود آنرا پسندیده است. کسانیکه درین وقت غیر از این، دین دیگر را پیروی می کنند کافرند. دین پاک اسلام آخرین و کاملترین دین آسمانی است، و حضرت محمد (ص) پیغمبر آخر زمان بوده بعد از وی پیغمبر دیگری فرستاده نمیشود.

تمرین

۱- شبه جزیرهٔ عربستان کجا است ؟

۲- شغل مهم مردم این شبه جزیره چیست ؟

۳- قبل از اسلام در این سرزمین کدام نوع بی عدالتی ها موجود بود ؟

۴- در اثر آمدن اسلام کدام بی عدالتی ها از بین رفت ؟

۵- شهرهای مشهور عربستان کدام اند ؟

۶- در مکهٔ معظمه کدام یک از قبایل زندگی میکردند ؟

۷- کلان قوم بنی هاشم کی بُود ؟

۸- حضرت محمد(ص) کدام وقت به دنیا تشریف آوردند ؟

۹- با تولد حضرت محمد(ص) کدام واقعات رخ داد ؟

۱۰- دایهٔ حضرت محمد(ص) کی بُود ؟

۱۱- حضرت محمد(ص) چند ساله بودند که مادرشان وفات کردند ؟

۱۱- آن حضرت (ص) چند ساله بودند که با کاکای خود به شام رفتند ؟

۱۲- چرا به آنحضرت (ص) مردم مکه لقب امین داده بودند ؟

۱۴- حضرت محمد (ص) دفعه دوم مال کی را برای فروش به شام برده بودند ؟

۱۵- حضرت محمد (ص) چند ساله بودند که با بی بی خدیجه نکاح کردند ؟

۱۶- زمانیکه در موضوع حجرالاسود نفاق پیدا شده بود به برکت کی ازبین رفت ؟

۱۷- آنحضرت (ص) به چند سالگی به پیغمبری مبعوث شدند ؟

۱۸- حضرت محمد (ص) چند سال مردم را در مکهٔ معظمه به اسلام دعوت کردند ؟

۱۹- چرا آنحضرت (ص) از مکه به مدینهٔ منوره هجرت کردند ؟

۲۰- حضرت محمد (ص) در مدینهٔ منوره چند سال را در دعوت گذشتاندند ؟

۲۱- حضرت محمد (ص) در عمر چند سالگی از دنیا رحلت کردند ؟

۲۲- دین پاک اسلام از جانب کی و بواسطهٔ کی به محمد (ص) نازل شد ؟

۲۳- کسیکه از دین اسلام پیروی نکند به او چه گفته میشود ؟

۲۴- آیا دین اسلام آخرین دین آسمانی است. و دین دیگر نمی آید ؟

فصل چهارم

افغانستان و اسلام

الف: وضعیت افغانستان قبل از اسلام :-

در درسهای گذشته درمورد شبه جزیرهٔ عربستان و در آنجا راجع به حضرت محمد (ص)، و مبعوث شدن شان به پیغمبری و دین مقدس اسلام چیزی خواندیم. درینجا در قسمت وضعیت افغانستان قبل از اسلام اشاره میکنیم.

افغانستان قبل از اسلام بنام آریانا یاد میشد. که بعد از آن به خراسان تبدیل شد. و در وقت آمدن دین اسلام خراسان نامیده میشد. درین وقت خراسان یعنی افغانستان برای خود حکومت های جدا جدا داشتند. و یک حکومت واحد نداشتند.

حاکم های محلی بالای مردم ظلم میکردند. دین های باطل مانند زردشتی،

بودائی ، برهمنی و غیره . مردم منطقه را به مشکلات مواجه ساخته بود . بالسان
های مختلف تکلم میشد که وحدت مردم را هنوز هم مختل ساخته بود . وضعیت
ملک از هر جانب روز بروز خراب شده میرفت آموزش صنعت و علم هم
ضعیف بود . باشندگان این ملک ازاین وضع نهایت ناراض بودند . خلاصه
اینکه تغیرات برای این مملکت ضروری بود . تغیراتیکه دین باطل را محو، نفاق
را ختم و جلوگیری ازظلم بنماید و حق مظلوم را بدهد و یک عقیده و دین را بوجود
بیاورد . و به تمام این نابسامانی ها جواب بدهد .

این دین اسلام و روشنائی آن بود که درین وطن منتشر شد واین
مملکت را از بدبختی هائیکه به آن گرفتار بود خلاص کرد .

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ترجمه: و نفرستادیم ترا، مگر برای مردمان، همه ایشان، مژده دهنده و ترساننده ولیکن اکثر مردمان نمی دانند.

سورة السبأ آیة (۲۸)

ب: انتشار دین مقدس اسلام در افغانستان :-

دین مقدس اسلام از یک ملک و از برای یک قوم نیست. بلکه این دین را خداوند (ج) برای تمام انسانها نازل کرده است به همین منظور حضرت محمد (ص) و خلیفه های اسلام میخواستند که دین مقدس اسلام در سراسر جهان پخش شود و بدین ترتیب دعوت عام را برای تمام انسانها شروع کردند. خلفای راشدین راه حضرت محمد (ص)، را تعقیب کردند. ضمن جهاد این دین مقدس را در تمام جهان پخش کردند. و مردم این دین را بحیث یک دین جهانی شناختند.

خلیفه اول براساس هدایات و رهنمائی اسلام در تحت سایهٔ جهاد این دین را در کنار خلیج فارس رسانید و راه فتوحات را برای افغانستان و ایران باز کرد.

خلیفه دوم مسلمین حضرت عمر رضی الله تعالی عنهٔ در زمان خود در روشنائی

جهاد در خاک ایران داخل شد. و دین مقدس اسلام را در آنجا منتشر ساخت

و مجاهدین اسلام در وقت همین خلیفهٔ دوم در قسمت افغانستان غربی و

جنوب غربی رسیدند و درین وقت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه به

شهادت رسیدند. و تا یک وقت کم انتشار دین اسلام در نقاط دیگر

افغانستان به تعویق افتاد.

در وقت خلیفه سوم حضرت عثمان (رض) مجاهدین باز هم داخل افغانستان شدند

و برای انتشار دین اسلام نقشه کشیدند و نقشه را عملی ساختند و تا کابل رسیدند. نه

تنها کابل شاهان و یا کوشانیهای خورد بخاطر بدست آوردن پادشاهی

و قدرت چند وقت را به مکر و حیله گذشتاندند. اما وقتیکه دیدند تاب

مقاومت را ندارند به مسلمانان سر تسلیم را خم کردند و بخی گردن

نهادند. به این ترتیب کابل بواسطهٔ مسلمانان فتح شد. زمانیکه کابل

بدست مجاهدین افتاد. راه دعوت دین حق باز شد و در وقت بسیار کم

قسمت بیشتر منطقه به دین اسلام مشرف شد. و همه در زیر کلمهٔ

توحید جمع شدند بعد از آن مسلمانان افغانستان درمورد پخش دین اسلام درقسمت های دیگر زحمات زیادی کشیدند .

تمرینات وسوالات

۱- قبل از اسلام افغانستان بنام چه یاد میشد ؟

۲- وضعیت افغانستان قبل از اسلام چطور بود ؟

۳- قبل از اسلام درافغانستان کدام دین ها رواج داشت ؟

۴- در وقت کدام خلیفه کابل به دین اسلام مشرف شد ؟

۵- در وقت کدام خلیفه دین اسلام درافغانستان رسید ؟

۶- کوشانیهای خورد چرا درمقابل مسلمانان مکر و حیله میکردند ؟

۷- بعد از اشغال کابل مسلمانان به چه شروع کردند ؟

۸- درچقدر وقت دین اسلام درافغانستان پخش شد ؟

۹- مسلمانهای افغانستان برای انتشار دین اسلام چه کردند ؟

فصل پنجم

افغانستان :

وطن عزیز ما افغانستان در آسیای مرکزی واقع است .

۱- اطراف افغانستان :-

افغانستان در شمال به تاجکستان و ترکمنستان تحت استعمار روسیه ،
درجنوب و شرق با پاکستان و در غرب با جمهوری اسلامی ایران هم سرحد میباشد.
در حصهٔ پامیر تقریباً (۱۰۰) کیلومتر با جمهوری چین هم سرحد است .
به این اساس افغانستان از چهار طرف با خشکه وصل است و به بحر
راه آزاد ندارد .

تمرین وسوالات

۱: زمین و آسمان راکی پیدا کرده است ؟

۲: چهار سمت را به کمک چی پیدا کرده میتوانیم ؟

نقشهٔ افغانستان
کیلومتر ۰ ۵۰ ۱۰۰
۱
۳۰۰،۰۰۰

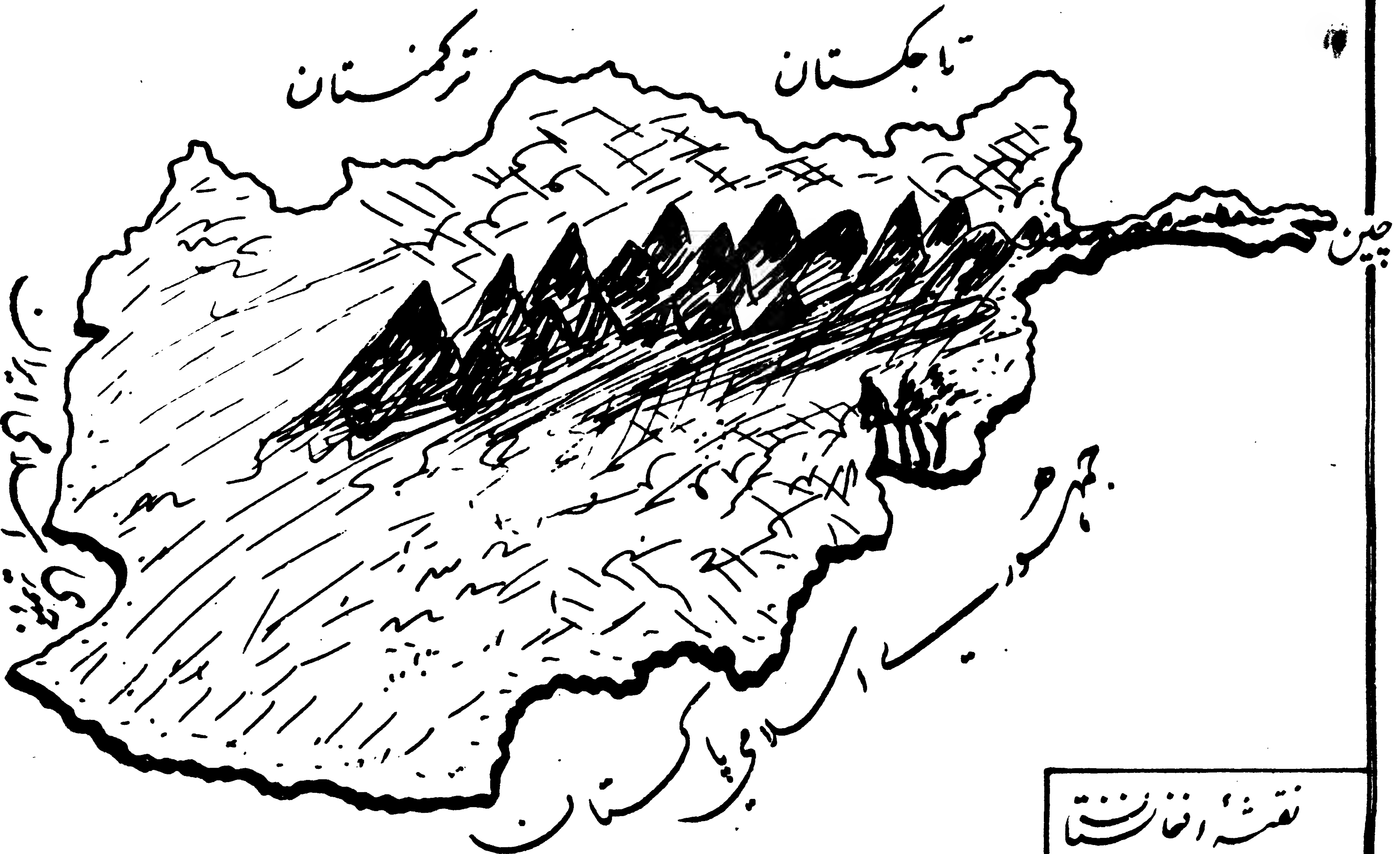
ترکمنستان
تاجکستان
چین
کراکروم
پامیر
جمهوری اسلامی ایران
جمهوری اسلامی پاکستان
بدخشان
تخار
کندز
سمنگان
بلخ
جوزجان
فاریاب
بادغیس
هرات
غور
بامیان
بغلان
پروان
کاپیسا
لغمان
کنر
ننگرهار
کابل
وردگ
لوگر
پکتیا
غزنی
ارزگان
زابل
پکتیکا
فراه
نیمروز
هلمند
کندهار

۴- ساختمان طبعی و مساحت افغانستان :

افغانستان یک کشور کوهستانی است که (۶۶۴۴۹۷) کیلومتر مربع مساحت دارد.

۲- آب و هوای افغانستان :-

اکثر مناطق افغانستان در زمستان هوای سرد دارد. در تابستان هوای مناطق هموار نسبتاً خشک و گرم میباشد. افغانستان کوه های بسیار زیبا دارد. در دامنهٔ کوه ها و دره ها آب پاک و صاف جریان دارد. در اکثر مناطق کوه های افغانستان در بوجود آوردن هوای نرم و معتدل در فصل تابستان کمک می نماید.


نقشۂ افغانستان
ترکمنستان
تاجکستان
چین
جمہوری اسلامی پاکستان
جمہوری اسلامی ایران

۴- تقسیمات سیاسی افغانستان :-

افغانستان به (۲۹) ولایات تقسیم شده است که عبارت اند:
از ولایت بدخشان، بغلان، بادغیس، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، هلمند، جوزجان، کابل، پروان، کاپیسا، کنر، کندز، لغمان، لوگر، نیمروز، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، قندهار، سمنگان، تخار، وردک، زابل و ارزگان .

کابل پایتخت افغانستان است که در سال (۱۹۷۸) میلادی (۵۳۴۳۵۰) نفر نفوس داشت .

معلم صاحب محترم از روی نقشه ولایات و مراکز افغانستان را به شاگردان نشان دهد .

نقشهٔ سیاسی افغانستان

معلم صاحب محترم
از روی این نقشه اطلاف
ولایات و مراکز افغانستان را
به شاگردان نشان دهید.

تاجکستان

ترکمنستان

جمهوریت اسلامی ایران

پاکستان

بدخشان

فیض آباد

تخار

تالقان

کندز

سمنگان

ایبک

فاریاب

میمنه

بادغیس

قلعهٔ نو

هرات

غور

چغچران

بامیان

بغلان

پروان

کابل

وردک

میدان

غزنی

زابل

قلات

ارزگان

فراه

نیمروز

پکتیا

گردیز

ننگرهار

جلال آباد

۵: کشت :-

مردم افغانستان هشتاد و پنج فیصد (۸۵٪) به کشت و مالداری مشغول اند. کشت و کار در دامنه کوه ها و دره ها و میدان های هموار صورت میگیرد.

٦- حاصلات مهم زراعتی افغانستان :-

حاصلات زراعتی افغانستان عبارت از گندم، جواری، پخته، لبلبو، برنج، باقلی، نخود، ماش، جو و غیره میباشد. کشور ما همچنان میوه های خشک و تازه زیاد دارد. مثل انگور، خربوزه، انار، پسته، بادام، چارمغز و غیره.

۷: صنعت :-

افغانستان فابریکه های نساجی حجاری ونجاری، کشمش پاکی، سمنت، تهیه برق نیز دارد، صنایع دستی مثل قالین و کلیم بافی، کرباس بافی، برک بافی، ساختن نمد و غیره رواج دارد.

۸- معادن :-

کشور ما معادن و منابع طبعی زیاد دارد. مثلاً:
ذغال سنگ، نمک، لاجورد، زمرد، بیروچ، گاز طبعی، آهن، سرب، مس و غیره.

۹- صادرات افغانستان :-

میوه های خشک و تازه مثل: انگور، خربوزه، چارمغز، کشمش، گاز طبعی، پخته، پوست، پوست قره قل، پشم گوسفند، قالین، گلیم، لاجورد، زمرد و غیره میباشد.

۱۰- لسانهای مهم افغانستان :-

لسان های مهم و رسمی افغانستان پشتو و دری است، لسان های دیگر مانند بلوچی، ترکمنی، ازبکی، پشه ئی و قرغزی نیز وجود دارد.

۱۱- کوه های افغانستان :-

اکثر کوه های افغانستان از سنگ ساخته شده و بعضی کوه های افغانستان توسط جنگل ها پوشیده شده، جنگل های مهم در ولایت پکتیا، پکتیکا، ننگرهار، کنر و بادغیس وجود دارد که درختهای گوناگون میوه دار و بی میوه دارد. در کوه ها سنگ های قیمتی مثل لاجورد، زمرد، فلزات مانند آهن طلا و مس پیدا میشود.

کوه های زیاد کشور ما برف دارد که در بهار و تابستان این برف ها آب میشود. از آبهای مذکور در کشت و زراعت و نوشیدن استفاده میشود.

مجاهدین افغانستان در کوه ها برای خود سنگر ها ساخته اند که از آنجا به لشکر دشمن کافر یعنی روسهای وحشی حمله نموده تلفات و خسارات زیاد مالی و جانی میرسانند.

مجاهدین مومن بعد از حملات موفقانهٔ خویش به سنگرهای خود بر میگردند



(نقشهٔ کوهها و جنگل های افغانستان)

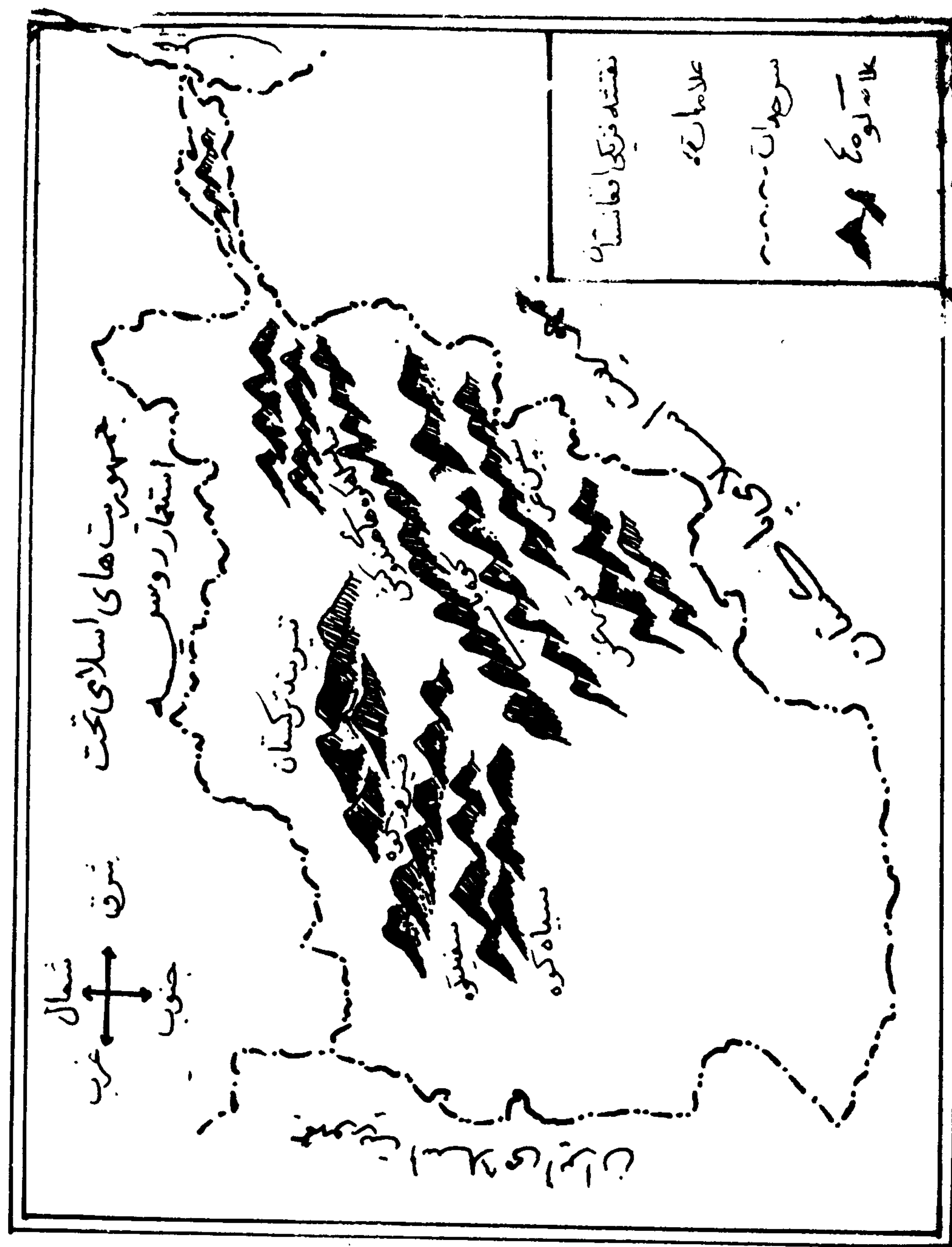
کوه های مشهور افغانستان :- هندوکش ، سپین غر ، کوه بابا ، کوه سلیمان ، سیاه کوه ، تیربند ترکستان وغیره میباشد .

معلم صاحب محترم کوه های مشهور افغانستان را در نقشه برای شاگردان نشان دهد .

د : شناخت خانواده :

با تولد مرحله زندگی طفولیت را در یک خانواده آغاز میکند . خانواده عبارت از اولین جای زندگی ما میباشد که کار آن پرورش ما به مقصد پیشرفت آینده میباشد که نقش مهم را پدر ، مادر ، برادران بزرگ و خواهران به عهده دارند . خانواده در اثر ازدواج و پیوند زناشوئی دو انسان بوجود می آید اگر این هردو در یک فضای آرام و صمیمیت با اخلاق اسلامی و انسانی به زندگی خویش ادامه دهند به حدود مسؤلیت خویش آشنا بوده و در انجام آن بکوشند فرزندان آنها در آینده انسانهای صالح در جامعه اسلامی بار آمده از جمله جانبازان فداکار و مجاهد راه خدا محسوب میگردند.

از نظر تربیت تهذاب اول ما را خانوادهٔ ما میسازد خوبی و بدی را از آنجا یاد میگیریم و این امر تا حدی است که انسان درس کفر و یا درس ایمان را از آنجا می آموزد . زندگی خانواده مقدمه داخل شدن به اجتماع عمومی بوده که اهمیت آن زیاد میباشد خانوادهٔ خوب بهترین مدرسه بوده ، به اطفال خویش درس ایمانداری ، راستکاری وظیفه شناسی ، اخلاق نیکو داشتن را میدهد تا اعضای مفید جامعه اسلامی بار آمیند .


جمهوریت های اسلامی تحت استعمار روس
شمال
جنوب
شرق
غرب
سیاه کوه

تمرین

۱- کوه های مشهور کشور ما کدام اند ؟

۲- کدام ولایات کشور ما جنگل ها دارد ؟

۳- کوه ها برای جهاد چه فایده دارد ؟

۱۲- دریا های افغانستان :-

دریا های مملکت ما اکثراً از کوه های مرکزی سرچشمه می گیرد و در دره های کشور گاهی با شور و غلغلهٔ زیاد و در بعضی جا ها بحرکت سنگین و خاموشانه جریان دارد. که در شادابی و سرسبزی وطن عزیز ما نقش بسیار مهمی را بازی می کنند.

به استثنای دریای آمو هیچکدام از دریا های مملکت ما قابل کشتی رانی نبوده زیرا اکثر آنها از دره های کم عرض به سرعت جریان دارد. بعضی دریا های افغانستان درصحرا های ریگستانی جذب میگردد و بعضی از آنها خارج افغانستان به طرف ممالک همسایه مانند جمهوریت های مسلمان نشین تحت تسلط استعمار روسیهٔ جنایتکار، پاکستان و ایران جریان دارد و در داخل مملکت ما از دریا های مذکور بسیار کم استفاده شده است.

دریای کابل، دریای آمو، دریای هلمند، دریای هریرود وغیره دریا های مشهور افغانستان میباشند.

جمهوریت های اسلامی تحت استعمار روس

تاجکستان

دریای آمو

ازبکستان

چین

رود کوکچه

قندز

حوزهٔ ابریز شمال

رود مرغاب

هریرود

هرات

حوزهٔ ابریز هرات

کابل

رود پنجشیر

رود کنر

رود کابل

دریای کابل

فراه رود

خاش رود

دریای هامون

دریای هلمند

دریای ارغنداب

رود ترنک

جهیل گود زره

جمهوریت اسلامی ایران

جمهوریت اسلامی پاکستان

نقشهٔ فزیکی افغانستان

نشان سرحد

دریا "

جهیل "



تمرین

۱- دریا های کشور ما از کجا سرچشمه میگیرد ؟

۲- دریا های افغانستان بکدام طرف جریان دارد ؟

۳- دریا های مشهور افغانستان را نام بگیرید ؟

فصل ششم

تاریخ افغانستان

الف: اولین تجاوز انگلیس ها بر افغانستان :-

انگلیس ها در اولین تجاوز خود در افغانستان از زد و خورد پادشاهان سدوزائی و محمدزائی استفاده کردند. شاه شجاع را که به هندوستان گریخته بود دوباره با خود آوردند. و در سال (۱۲۵۵ هـ ق) به افغانستان حمله کردند. دو فوج انگلیس ها از راه قندهار و جلال آباد در افغانستان داخل شده. و در قندهار، غزنی، کابل و بامیان مستقر شدند. و آهسته آهسته تقویه میشدند. پس از تقویه شدن انگلیس ها دوستان شاه شجاع نه بلکه اختیارداران اصلی افغانستان شدند. مکناتن که بحیث سفیر آمده بود خود را صدراعظم انتخاب کرد.

شاه شجاع تا یک وقت کارهای حکومتی را میکرد. بعد از آن وقتی

رسید که از خانهٔ خود بیرون شده نمیتوانست. این شاه دست نشانده
به مکناتن چندین دفعه پیشنهاد کرد که مملکت آرام است و به فوج شما
ضرورت نیست، مکناتن گفت تا زمانیکه خوف تجاوزات خارجی باشد
فوج های انگلیس باید در افغانستان باقی بمانند.

زمانیکه ملت مجاهد ما فهمیدند که شاه شجاع دست نشاندهٔ
انگلیس ها است. ومثل یک عروسک نشسته است وتمام اختیارات
در دست انگلیس ها می باشد همه به مقابل انگلیس ها به جهاد
برخواستند.

درین وقت حساس که تمام مسلمانان مجاهد با دشمن در جهاد مقدس مشغول
بودند. دوست محمد خان بصورت ناگهانی به انگلیس ها تسلیم شد. ولی باوجود این عمل روحیهٔ
مجاهدین وجذبهٔ اسلامی شان ضعیف نشد. و به زودی در کوهستان
تحت قیادت میر مسجدی خان بر دشمن حمله ور گردیدند.
درقندهار، غزنی ولوگر نیز عاشقان راه حق در سنگر های پاک جهاد رفتند

وبرسر دشمن ماتم را برپا ساختند .

تشکیل شورای اسلامی :-

کلانهای مجاهدین مسلمان روز (۱۶) روزه سال (۱۲۵۷ هـ ق) جمع شده ، یک شورای اسلامی برای پیشرفت امورات جهادی در کابل تشکیل نمودند . اعضای شورا نواب محمد زمان خان را کلان خود و امین الله خان لوگری را نائب مقرر کردند . امین الله خان در میدان جهاد مجاهدین دلیری داشت . لذا مورد توجه مجاهدین قرار گرفت . وبسیاری امور جهاد را به او سپردند .

روز (۱۷) روزهٔ رمضان المبارک که تمام مجاهدین تحت قوماندهٔ امین الله خان لوگری و عبدالله خان اچکزی باهم جمع شده و بر دشمن حمله نموده داخل شهر کابل شدند کلان فوج انگلیس « برنس » را کشته وبرخی را زنده گرفتند . مکناتن دفعتاً خود را به چهاونی رسانید وبا

فوج باقیمانده در بالاحصار قلعه بند شد .

فوج دشمن که در مقابلهٔ رویاروئی با مجاهدین شکست خورد و دیگر تاب مقاومت را نداشت به مکر وحیله شروع کرده . میخواست مجاهدین را بی اتفاق کند اما این نوع کوششهای بیجا فایده نکرد .

آمدن وزیر محمد اکبر خان :-

وزیر محمد اکبر خان از قید بخارا خلاص شد و به وطن خود آمد . با آمدن او مجاهدین خوشحال شدند و به اتفاق هم بطرف کابل حرکت کردند. مجاهدین داوطلب از جاهای دیگر نیز بطرف کابل حرکت کرده . تماماً به یک قوماندهٔ باگفتن الله اکبر بر سنگرهای دشمن حمله نمودند . مکناتن بسیار وارخطا شد و از کلان مجاهدین خواهش او ربندرا نمود .

بین وزیر اکبر خان و مکناتن درچمن کابل گفت وگو شروع شد ضمن

مناقشه دانست که مکناتن برای حمله آماده گی می گیرد. لذا وحمله کرده بقتل رسانده. رفقای دیگراو را زنده گرفت. انگلیس ها که از قتل مکناتن

خبر شدند چارهٔ دیگر جز اینکه کابل را تخلیه کنند نداشتند به این

ترتیب فوجهای خود را بطرف جلال آباد حرکت دادند ولی در خورد کابل

و خاك جبار مورد حملات سخت مجاهدین قرار گرفتند و قبل از اینکه به

جلال آباد برسند از بین رفتند. تنها داکتر (برایدن) بحالت نیم جان خود

را به جلال آباد رسانید. وقصهٔ شکست خود را به فوجی های دیگر در جلال آباد

کرد. این شکست حکومت برطانیه را سخت در وحشت انداخت.

وزیر محمد اکبر خان عقب فوج دشمن بطرف جلال آباد حرکت کرد. و فوج دیگر

دشمن را نیز به شکست مواجه ساخت. درین وقت یك شورای بزرگ توسط

مجاهدین در کابل دایر گردید. وازشاه شجاع خواستند که در مقابل انگریز ها

جهاد را اعلان کند.

اما چون شاه شجاع که یک پادشاه دست نشانده بود، فیصله شورا را عملی نمود، به تاریخ ۱۳

حمل سال ۱۲۲۱ ش هنگام سحر

برخلاف خانواده خراب بدترین مدرسه است زیرا طفل درآنجا بی ایمانی دروغگوئی وظیفه ناشناسی و اخلاق بد را یاد میگیرد بین افراد خانواده محبت ومهربانی حقیقی وجود دارد. ما درخانه به کمک مادر، پدر، برادر وخواهر خویش درس مدرسه رامیخوانیم و درکارهای خانه نیز باآنها کمک مینمائیم.

تمرین

۱: اولین جای زندگی ماکجا میباشد؟

۲: خانواده خوب چه نوع خانواده راگویند؟

۳: ما در خانه به کمک کی درس مدرسه رامی آموزیم؟

وقت روان شدن بطرف جلال آباد از طرف مجاهدین به قتل رسید.
و پسرش فتح جنگ بر تخت نشانده شد.
وقتیکه وزیر محمد اکبر خان به کابل رسید. فتح جنگ را از تخت پائین و
بندی کرد. وامورات مملکت را خودش بدست گرفت. درین وقت دوست محمد خان
که هیچ وقت با مجاهدین کمک نکرده بود و همیشه برای هدفهای شوم خود تپ
و تلاش میکرد این دفعه باز هم به خواسته کمرشکن با دارانش تسلیم شد.
و به وزیر محمد اکبر خان خط روان کرد که در آن مجاهدین را از جنگ درمقابل
انگلیسها منع کرده بود. به مجرد رسیدن خط مجاهدین از مقابله با دشمن صرف نظر کردند.
انگلیسها ازاین فرصت استفاده کرده هنگام برآمدن از مملکت خسارهٔ زیادی
به بسیاری جاها رسانیدند. درمقابل این تخریبات مجاهدین حملات خود را بر
دشمن از سر گرفتند. بعد از گرفتن انتقام دشمن را به فرار از وطن مجبور نمودند دوست محمد خان
را که انگلیس ها بصورت بندی به هندوستان فرستاده بودند و باره به کابل آمد
و بر تخت پادشاهی نشست.

پادشاهی دوست محمد خان :-

مجاهدین مسلمان افغانستان بعد از دادن هزاران شهید در طول چندین سال با دشمن خونخوار خود انگلیس ها بر آنها غالب وکامیاب شده . وطن را از چنگال منحوس انگلیس ها خلاص کردند . درین هنگام دوست محمد در حالیکه همه چیز آماده بود آمد و بر تخت پادشاهی نشست اما انگلیس ها باز هم آرام نه نشسته هر قسم خواهشات خود را بالای دوست محمد خان قبولانیدند . او هم بخاطر حفظ پادشاهی خود تمام خواهشات دشمن را قبول کرد ویکی دیگر از کارهای خائینانه امیر دوست محمد خان این بود که بعضی از کلان های مجاهدین را به شهادت رسانید . در وقت حکومت وی سلطان احمد که برادر زاده اش بود برای بدست آوردن حکومت با کاکای خود به مخالفت شروع کرد . اما شکست خورد .

بعد از ختم این جنگ دوست محمد خان در هرات مرد و آنجا دفن گردید .

بعد از مرگ دوست محمد خان پسرش شیرعلی خان پادشاه شد . برادرانش برای بدست

آوردن قدرت کشمکش را شروع کردند. و در مقابل برادر خود قد علم کردند در نتیجه زد و خورد شیرعلی خان شکست خورد و محمد افضل خان به پادشاهی رسید.

شیرعلی خان باز هم برای بدست آوردن حکومت با محمد افضل خان داخل جنگ شد. بعد از یکسال حکومت محمد افضل وفات کرد و محمد اعظم بر تخت نشست. دراین وقت شیرعلی خان به عرض مقابله با محمد اعظم خان بطرف کابل حرکت کرد و در یک جنگ محمد اعظم خان شکست خورد و شیرعلی خان بار دوم پادشاه شد.

پادشاهی دوم امیر شیرعلی خان :-

دراین مرتبه شیرعلی خان روابط خود را با روسها خوب کرد یا به عبارهٔ دیگر رابطهٔ نزدیک خود را با روسها قایم نموده تا در وقت حملهٔ انگلیس با او کمک کنند. امیر شیرعلی خان به این منظور با روس ها قرارداد دوستی امضا کرد که بر اساس این قرارداد روس ها می توانستند هنگام حمله بر هندوستان از خاک افغانستان بگذرند. در قرارداد شرط های دیگری نیز گنجانیده

شده بود که از طرف وی قبول گردید انگلیسها از پیدا کردن رابطهٔ نزدیک افغانستان با روسها به تشویش افتیدند زیرا ایشان این رابطه و دوستی را برای خود خطر و تجاوز مستقیم میدانستند به این خاطر از سه طرف به خاک افغانستان حملات خود را شروع کردند.

درین وقت شیرعلی خان به اساس قرار دادی که با روسها بسته بود از روسها مطالبهٔ کمک نمود. و به این خاطر سفر خود را به روسیه شروع کرد. وقتیکه به مزارشریف رسید. با حکومت روسیه ارتباط مکتوبی گرفت. روسها که از سابق به منافقت و حیله گری عادت داشتند. چهرهٔ دوروئی خود را معلوم کرده و از کمک به امیر شیرعلی خان خودداری نمودند. زیرا روسها میخواستند که افغانستان را بدو حصه تقسیم نمایند[1] و از شیرعلی خان در مورد بحیث یک آله کار میگرفتند. وقتیکه شیرعلی خان از کمک روسها ناامید شد ناگاه مریض شده وفات کرد. شیرعلی خان باز هم برای مردم مجاهد

۱- روس ها و انگلیس ها موافقه نموده بودند تا افغانستان را بین خود به دو حصه تقسیم نمایند.

افغانستان بنام علم و دانش اقداماتی کرد که ازآنجمله نشر جریده شمس النهار را می توان نام برد
او برای تنظیم عسکری نیز اقدامات مفید کرد. مگر مانند پدران خود
از جهاد افغانستان به نفع خود استفاده کرد. و در دورهٔ دوهم پادشاهی خود با روسها
روابط نزدیک پیدا کرد. وتوجه فوج تنظیم شدهٔ مسلمان را از خود گشتاند و به روسها
تکیه کرد. زمانیکه انگلیس بر افغانستان حمله کرد روسهای دو روی به کمک
حاضر نه شدند و نسبت به ضعف پادشاهان بار دیگر این مملکت در زیر
استعمار انگلیس باقی ماند.

ب : تجاوز دومی انگلیس بالای افغانستان :-

بعد از گذشت (۳۵) سال انگلیس ها برای باردوم مردم مسلمان افغانستان
را مورد حمله قرار دادند زمانیکه محمد یعقوب بعد از وفات شیرعلی خان بر
تخت نشست از روز اول وطن خود را به انگلیس ها فروخت و با آنها
معاهدهٔ ننگین گندمک را در سال (۱۲۹۶ هـ.ق) امضا کرد

به اساس این معاهده محمد یعقوب یک سفیر انگلیس را در کابل پذیرفت همچنان افغانستان بدون مشورهٔ انگلیس با ممالک دیگر جهان ارتباط گرفته نمیتوانست و به این ترتیب مملکت مذکور رسماً به انگلیس ها مربوط شد. یکماه بعد از معاهدهٔ گندمک کیوناری که سفیر انگلیس بود به کابل آمد. و اختیارات مملکت را بدست گرفت. مجاهدین هوشیار، مؤمن و ایماندار به سیاست او فهمیده و بر ضدش قیام کردند. کیوناری که حملهٔ مجاهدین را دید خود و رفقای خود را در آتش سوختاند. زمانیکه انگلیس ها از قتل کیوناری واقف شدند. فوج خود را از قندهار، کرم و خیبر داخل افغانستان کردند و (رابرت) کلان فوج انگلیس کابل را گرفت. و بالا حصار را چور کرد. و محمد یعقوب را بندی به هندوستان فرستاد.

شروع جهاد در مقابل انگلیس ها :-

زمانیکه فوج انگلیس ضمن معاهدهٔ ننگین گندمک وقتل کیوناری در افغانستان داخل شد و محمد یعقوب خان را بندی به هندوستان فرستادند. مجاهدین راه حق در مقابل آنها قیام کردند.

طوریکه مجاهدین کابل، کوهدامن وکوهستان تحت قوماندهٔ غلام حیدرخان کابلی، میربچه خان کوهدامنی ومحمد کریم خان ومجاهدین تگاب ونجراب تحت قوماندهٔ محمد عثمان خان صافی ومجاهدین لوگر تحت قوماندهٔ غلام حیدرخان چرخی ومجاهدین ولایت میدان ووردک تحت قوماندهٔ محمد جانخان وردکی، مجاهدین غزنی تحت قوماندهٔ ملا دین محمد «اندر» ومجاهدین هرات تحت قوماندهٔ محمد ایوب خان ومجاهدین ننگرهار تحت قوماندهٔ عصمت الله خان «جبار خیل» وهزاران مجاهد دیگر داوطلبانه به میدان جهاد برآمدند وبراساس ایمان وعقیدهٔ خود باگفتن نعرهٔ الله اکبر حملات قاطع خود را بر دشمن شروع کردند مجاهدین کابل نقاط مهم اطراف کابل را مورد حملات خود قرار داده

چنانچه غازی محمد جانخان در قلعهٔ قاضی بر دشمن حمله کرده . بعد از جنگ خونین
دشمن را شکست داد . بعد از آن رابرت به مقابله غازی محمد جانخان برآمد .
مگر فوج رابرت طوری شکست خورد که خود را به فرار به شیرپور رسانید پس مجاهدین
در کابل درآمدند و شهر را اشغال کردند و فوج رابرت در قلعهٔ شیرپور قلعه بند شد .
درین وقت در کابل ، لوگر ، ننگرهار ، پروان ، وردک ، غزنی ، کوهستان و بسیار جاهای
دیگر مردم بصورت داوطلبانه با مجاهدین یکجا شدند که باعث قوت و قدرت
مجاهدین گردید . رابرت که از آماده گی مجاهدین واقف گردید معنویات خود را باخته
و در فکر خروج عساکر خود از افغانستان شد و به بسیار هوشیاری اعلامیهٔ
را در مملکت نشر و چنین نوشته بود . انگلیس بدون جنگ قوای خود را از
افغانستان خارج میکند هرکسی را که این ملک میخواهد کلان خود انتخاب کند
ما او را به رسمیت می شناسیم . در اثر نشر این اعلامیه مردم در فکر انتخاب
کلان قوم شدند . درین وقت در نظم جهان تغیر آمد و دشمن از موقع استفاده کرد
از هندوستان و جلال آباد فوج تازه دم خواسته . و بر برخی از جاهای مجاهدین حمله کرد

آمدن امیر عبدالرحمن خان :-

امیر عبدالرحمان در سال (۱۲۹۸ ھ.ق) از بخارا به افغانستان آمد. و بخاطر بدست آوردن پشتیبانی ملت مسلمان خود به هرجا خط فرستاد و برای خارج کردن انگلیس ها نظر شانرا به خود معلوم کرد. در اینوقت محمد ایوب خان از هرات به امیر عبدالرحمن خان خط ها فرستاد و از او خواسته بود "که در کشیدن انگلیس ها باید یک موقف داشته باشیم" مگر امیر عبدالرحمن به آن جواب مفید نداد.

امیر عبدالرحمن خان با مجاهدین زیاد در اینوقت به چاریکار رسیده بود و میخواست که بر دشمن حمله کند. انگلیس ها که ناکامی خود را میدیدند از او خواستند که کابل بیاید و قدرت را بگیرد. عبدالرحمن این خواسته انگلیس ها را قبول کرد و کابل آمد و زمام امور را بدست گرفت. و این درحالیکه غازی محمد جانخان و ملا مشک عالم هنوز هم مصروف جمع کردن مجاهدین و اخراج کلی دشمن از وطن بودند.

تمرینات

۱- انگلیس ها چطور و چرا دفعهٔ اول بر افغانستان تجاوز کردند؟

۲- انگلیس ها از کدام جا ها عسکر خود را داخل افغانستان کردند ؟

۳- در تجاوز مرتبهٔ اول انگلیس ها کی را مانند عروسک با خود آوردند؟

۴- مکناتن کی بود و در افغانستان چه وظیفه داشت ؟

۵- در کوهستان کی در مقابل کی به جهاد قیام کرد ؟

۶- شورای اسلامی چه وقت تأسیس و نائب آن کی بود ؟

۷- وزیر محمد اکبر خان از کجا به وطن آمد و چه کرد ؟

۸- مکناتن از طرف کی به قتل رسید ؟

۹- داکتر برایدن کی بود ؟

۱۰- دوست محمد به کدام خواستهٔ دشمن تسلیم شد ؟

ه: شناخت مدرسه:

چون مدرسه جای یادگرفتن علم ومعرفت میباشد آنرا دوست داریم و به
آن علاقمند میباشیم شاگرد خوب کوشش میکند که در محیط مدرسه علم، اخلاق
وبندگی خداوند (ج) را بیاموزد و به هر اندازه که دانش پیدا نماید به
همان اندازه به مرتبه کمال نزدیک شده میرود اگر هدف ما از علم آموختن
زنده کردن دین وآئین الهی (اسلام) باشد درجه و مرتبه ما به درجه پیغمبران الهی(ع)
نزدیک میشود واگر در راه آموختن علم و جهاد پاک خود بمیریم درجه شهادت
نصیب ما گردیده و جای ما بهشت میباشد. مقصود از آموختن علم در مدرسه
این نیست که تنها در امتحان کامیاب گردیم بلکه منظور اصلی این است که هریک
از شاگردان مدرسه طالب خوب، انسان پاک، مجاهد ورزیده و دل سوز اسلام
بوده از تحصیل علم فایده زیاد برند. آرزوی هر پدر و مادر واستاد خوب
این است که فرزندان وشاگردان شان در میدان زندگی کامیاب وخوشبخت بوده
ازمشکلات دلتنگ و پریشان نشوند ودر آینده صاحب کمال و علم گردند تا بتوانند

۱۱- سلطان احمد کی بُود و در مقابل کی قیام کرد ؟

۱۲- به شیرعلی خان دوستی روس و دشمنی انگلیس چه فایده رساند؟

۱۳- انگلیس ها چرا دفعهٔ دوم به افغانستان حمله کردند؟

۱۴- شیرعلی خان از عسکر تنظیم شدهٔ خود در مقابل دشمن چه فایده گرفت؟

۱۵- یعقوب خان با انگلیس کدام معاهده را امضا کرد ؟

۱۶- کیوناری کی بُود و چه بر سرش آمد ؟

۱۷- در قلعهٔ قاضی کی دشمن را شکست داد ؟

۱۸- عبدالرحمن از کجا به وطن آمد و چه کرد ؟

۱۹- محمد ایوب خان از عبدالرحمن خان چه خواهش کرد ؟

۲۰- بعد از شکست بار دوم انگلیس ها کی زمام امور را بدست گرفت ؟

نگاهی به حکومت عبدالرحمن خان :

زمانیکه محمد ایوب خان از امیر عبدالرحمن خان کدام جواب مفید حاصل نکرد . باز عامت مجاهدین دلیر هرات بطرف قندهار حرکت کرد وقتی به دشت میوند رسید و شش روز را در آنجا گذشتاند صبح روز هفتم مجاهدین مست عشق خداوند (ج) بر دشمن حملات خود را شروع کردند. تا چاشت همان روز بسیاری از مجاهدین شهید و زخمی شدند. بعد از چاشت یکتعداد مجاهدین از طرف عقب بر دشمن حمله کرده . و مجاهدین دیگر نیز از هر طرف حملات خود را شروع نمودند تا اینکه فوجی های زیاد دشمن مانند برگ ریختند و متباقی از وارخطائی فرار نمودند مگر از طرف مجاهدین تعقیب و بجز از چند نفر همه به هلاکت رسیدند . حکومت انگلیس که شکست خود را در جنگ میوند دید . به رابرت امر کرد که به فوج قلعه بند قندهار کومک بفرستد.

چون فرستادن این کمک کار آسان نبود لذا انگلیس ها با عبدالرحمن خان ارتباط

گرفتند. بعد از مشوره و گفتگو، انگلیس ها پیغام عبدالرحمن را با چند تن افغان بحیث محافظین با خود گرفته به طرف قندهار حرکت کردند. در مسیر راه دشمن ریاکار پادشاهی عبدالرحمن و خروج قوای انگلیس را به گوش مجاهدین رسانید. و به این ترتیب خود را به قندهار رسانیده بالای مجاهدین حمله کردند و نتیجه قندهار را گرفته و به یکی از طرفداران عبدالرحمن سپاریدند و بعداً انگلیس ها از افغانستان برآمدند و عبدالرحمن در سال (۱۲۹۸ هـ ق) پادشاه شد.

مداخلهٔ غیر مرئی انگلیس ها در وقت عبدالرحمن :-

انگلیس ها که در جنگ اول و دوم رویا روئی با ملت مجاهد افغانستان به شکست مواجه شده بودند و به رها کردن مملکت مجبور شدند. این بار راه مداخلهٔ غیر مرئی را باز کردند که این مداخلهٔ غیر مرئی از تجاوز علنی شان آن خطرناک تر بود. این فعالیت خصوصی انگلیس ها مداخله در امورات داخلی افغانستان بود که به

مجاهدین مسلمان خسارهٔ بیشتری رسانید. وقسمیکه مجاهدین میخواستند وطن ما مکمل آزاد شود نشد.

عبدالرحمن علاوه براینکه برای استحکام حکومت خود و آوردن امن بسیاری اشخاص را به قتل رسانید گر بعضی جاهای وطن که تا آنوقت به دین اسلام مشرف نشده بود به اسلام مشرف شد. که قبل از اسلام بنام کافرستان یاد میشد. مانند نورستان این پادشاه برای تابع کردن نورستان غلام حیدر خان چرخی را فرستاد که بعد از سپری شدن (۸) هشت ماه تمام نورستان را به دین مقدس اسلام مشرف گردانید و آنها را به حکومت کابل مربوط ساخت.

تاسیس دارالحفاظ، دارالعلوم در کابل و تأسیس ضرابخانه و فابریکه حربی نیز از جمله کارهای این دوره می باشد. در وقت عبدالرحمن مداخله غیر مرئی استعمارگران روس تزاری فرصت را برای دست اندازی پیدا کرد. و افغانستان میدان رقابت دو قدرت بزرگ گردید.

دوره حکومت حبیب الله: - بعد از وفات عبدالرحمن در سال (۱۳۱۹ هـ ق) بچه اش حبیب الله برتخت کابل

نشست و از روش پدر خود استفاده کرد. و با انگلیس ها به ارتباط ملت افغانستان کدام تغیرت آورد.

و افغانستان مانند سابق از استقلال کامل بی بهره ماند امیر حبیب الله شخص عیاش و استراحت طلب بود، موصوف بعد از ۱۸ سال پادشاهی در سال ۱۳۳۷ هـ ق، در کله گوش لغمان توسط شخص ناشناس به قتل رسید. در دوره او کارهای از قبیل ساختن پل ها، سرک ها، مکاتب حبیبیه، حربیه فابریکه برق جبل السراج و تاسیس چاپخانه صورت گرفته است.

دورهٔ حکومت امان الله و جنگ سوم با انگلیس ها :-

بعد از مرگ حبیب الله پسرش امان الله اعلان پادشاهی کرد در همین وقت نصرالله خان در جلال آباد خود را پادشاه اعلان کرد اما بعد از آن ازین دعوا گذشت و به امان الله تسلیم شد.

وقتیکه امان الله پادشاه شد مجاهدین مسلمان، روحانیون، مشایخ و کلانها برای بدست آوردن استقلال کامل و نشان دادن قوت ایمان باز هم در میدان جهاد برآمدند. و در مقابل طاقت طاغوتی زمان جهاد اسلامی خود را آغاز کردند.

شروع جنگ سوم با انگلیس ها :-

امان الله موقع را غنیمت دانسته و برای بدست آوردن قدرت و مقام از قوت جهادی مجاهدین مسلمان استفاده نموده استقلال وطن را اعلان کرد و به ولایات سرحدی قوای عسکری فرستاد.

سپه سالار صالح محمد خان به زعامت قوای عسکری بطرف درهٔ خیبر فرستاده شد. و در مقابل دشمن سنگر گرفت. مجاهدین مسلمان افریدی که طرفداری عساکر حکومت را میکردند در آن طرف مرز سرحد دشمن را به عقب راندند. صالح محمد در اثر گرفتن پول از انگلیس ها زخم بسیار خورد ناخن خود را بهانه گرفته و مجاهدین را از جنگ منع کرد. دشمن از موقع استفاده کرده و جاها را تا دکه تسخیر کرد. درین وقت مجاهدین ننگرهار، لغمان و کنر تحت قیادت مجاهدین محلی[1] به میدان جنگ برآمدند و حملات خود را به دشمن آغاز کردند در نتیجه مجاهدین قسمت های تسخیر شده را واپس اشغال کردند. و قوای دشمن

۱- مانند شیخ پادشاه از اسلام پور، ملا صاحب چکنوری، ملا صاحب کجوری، میر سید پادشاه، میرزمان خان کنری میا صاحب سرکانو، حیدر غازی صافی، سیدگل پادشاه کنری، عبدالغفار خان از سروبی محمد سید صاحب از چارباغ و امثال اینها.

شکست خوردند .

درین وقت تشکری متشکل از قوای حکومتی تحت قیادت عبدالقدوس غندمشر و غلام نبی خان ناصری به طرف قندهار فرستاده شد به مجرد رسیدن ، جنگ درگرفت . قوای حکومتی تاب مقاومت را در خود ندیده عقب نشینی کردند که درنتیجه بعضی جاها بدست قوای دشمن افتید .

مگر زمانیکه مجاهدین داوطلب تحت قیادت مجاهدین محلی[1] بالای دشمن حمله ور شدند نعره تکبیر الله اکبر را بلند نمودند روز روشن را بالای دشمن شب تار نمودند خسارات شدیدی برایشان وارد کردند جا های تسخیر شده را واپس بدست آوردند .

همچنین قوای دیگر حکومتی تحت قیادت سپه سالار محمد نادر ، مبارکشاه غندمشر و محمد عالم غندمشر به محاذ پکتیا غرض مقابله با دشمن فرستاده شد . تا آنکه علمای دین و مجاهدین[2] سر بکف حملات خود را بر دشمن انگلیس شدید ساخته باگفتن نعره تکبیر سنگرهای دشمن را اشغال و سایل مخابراتی

---

[1] مانند حاجی عبدالعزیز خان ، فضل حق خان ، مولوی عبدالواسع خان ، سید نور محمد شاه ، قمرالدین آخندزاده

را قطع وقلعه های تل و وانو راگرفتند ونیز جهاونی هنگو ومیرانشاه رامحاصره کرده وخسارات شدیدی بردشمن وارد کردند.

خلاصه اینکه فوج دشمن را قوت ایمان ونعره های تکبیر مجاهدین سخت وارخطا کرده ازپا افتید. وطالب صلح شد.

مذاکرت صلح درسال (۱۲۹۷-هـ.ش) درراولپندی شروع شد بعد ازگفتگو بین طرفین معاهده امضا واستقلال افغانستان درآن به رسمیت شناخته شد. این جهاد مجاهدین مسلمان افغانستان مطابق وموافق ارشادات پاک اسلام علیه باطل بود که ملت خود را از زیر یوغ بیگانه خلاص کرد. مگر قسمی که آرزو داشتند موفق به تشکیل یک اجتماع اسلامی نشدند.

محمد رسول خان آخندزاده، عبدالحق خان وامثال ایشان.

۲- مانند شهزاده فضل الدین، ملک موسی خان، نزرخان وزیری، عبدالسلام خان، ملک محمد اکبرخان منگلی، شاه دوله خان، ببرک خان ځدرانی، محمد عالم خان اندړی، شیر محمد خان گردیزی وامثال ایشان.

حالات افغانستان بعد از استقلال :-

بعد از استقلال روسها متوجه افغانستان شدند و برای بخش افکار کمونیزم و به سر رسانیدن اهداف شوم شان به امان الله دست دوستی دراز کردند. که از همین جا مداخلهٔ روسها در مسایل داخلی افغانستان شروع شد نزدیک شدن امان الله با روسها باعث قهر و غضب مسلمانهای افغانستان شد زیرا از یکطرف روسهای وحشی با مردم مسلمان بخارا که علیه شان به جهاد مصروف بُودند. ظلم و تجاوز میکردند، و از جانب دیگر در حدود یک میلیون بخارائی به اساس ظلم و ستم روسها به افغانستان مهاجر شدند. و میخواستند که مسلمان های افغانستان آنها را کمک نمایند. حکومت امان الله عوض اینکه با ایشان کمک نماید بالای مهاجرین ظلم و ستم را شروع کرد. و از آمدن مهاجرین دیگر به افغانستان جلوگیری کرد. به این ترتیب مردم مسلمان افغانستان از امان الله نفرت کردند.

خصوصاً هنگامیکه وی از سفر روسیه وارد یا دوباره بازگشت و به

بخش فرهنگ پوچ شرق و غرب در افغانستان شروع کرده تهذیب

أصیل اسلامی را زیر پا نمود نفرت مردم هنوز هم بیشتر گردید. این کار

سبب قهر تمام مجاهدین مسلمان، روحانیون و علما گردید. که در نتیجه تمام افراد

ملت علیه او اعلان جهاد کرده قیام نمودند. درین وقت در کوهدامن شخصی

بنام حبیب الله در بند کردن راهای حکومتی شروع کرد.

بعداً آنقدر قوی شد که بالای کابل حمله نمود. امان الله تاب مقاومت را

در خود ندید. به قندهار گریخت و از آنجا به خارج بر آمد و حکومت او سرنگون

شد و حبیب الله که خود را خادم دین رسول الله (ص) میگفت به قدرت رسید

و نه ماه حکومت کرد. بعد از آن نام برده از بین رفت و محمد نادر در عوض

او بر تخت نشست.

به خود و جامعه خویش خدمت بزرگی را انجام دهند.

تمرین و سوالات

۱: مدرسه جای چه میباشد ؟
۲: مقصود از آموختن علم در مدرسه چیست ؟
۳: اگر در راه آموختن علم و جهاد بمیریم چه درجه را کمائی میکنیم؟

بی شائبه مینمایند
بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی
مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و
عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلا طرف
استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرا با در نظر داشت دشوار ی قید
زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.
لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت
تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق
نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب وعناوینی را که
از نقطه نظر سطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم وتربیه
سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

اسلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد.

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسکین و قوانین عالی و معقول شرع انور بطور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با درنظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد.

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد.

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقُ))

اجتماعیات

برای صنف چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

رَبِّ زِدْنِیْ عِلْمًا

قال صلی اللّٰہ علیہ وسلم :

فرمودہ است حضرت رسول اکرم (صلی اللّٰہ علیہ وسلم)

رَضِیْتُ

راضی ہستم

بِاللّٰہِ رَبًّا وَّ

کہ اللّٰہ پروردگار ما است و

بِالْاِسْلَامِ دِیْنًا وَّ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَّبِیًّا وَّرَسُوْلًا

محمد (صلی اللّٰہ علیہ وسلم) نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله الكريم

يرفع الله الذين امنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات

جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خداوند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است.

ازفحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته وبالاتر از علم ودانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم وتربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقرا باسم ربک الذی خلق) میباشد بهمین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات، وحقوق بشری درلابلای تعلیم وتربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما رهروان راه وحدانیت در دشوارترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی درمقابل تصمیم واراده مقدس وخلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیرانسانی کمونیزم بی هدف ازقبیل قتل عام، زنده به گورکردن چور وچپاول به آتش کشیدن مزارع وخانه ها تخریب وانهدام مساجد شریف مدارس واماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیزما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست وبس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انزجارشان.

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوفی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمائیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دونوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرّای محمدی و منهب مهذب حنفی مغایرت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریس و نظارات، مدیریت پلان و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، ومدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهدکه مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت